

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۲۹

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۷ می ۲۰۲۵

در حمایت از فراخوان علیه اعدام  
در داخل و خارج کشور

نهاد نه به اعدام، نهاد دادخواهان و جمعی از خانواده‌های محکوم‌به‌اعدام فراخوان دو هفته اعتراض، از سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت تا ۶ خرداد، تحت عنوان «همه با هم علیه اعدام» داده‌اند. در این فراخوان آمده است: «نه به اعدام و کشتن انسان‌ها به هر اتهام و جرمی! اعدام نکنید! اعدام و قتل حکومتی انسان‌ها از ابزارهای جنایت حاکمان بوده و با تداوم این جنایت حکومتی آشکار، هر روز به خانواده‌هایی که تجربه کشته‌شدن عزیزانشان توسط ماشین جنایت اعدام تجربه می‌کنند، افزوده می‌شود. به اعدام، این جنایت آشکار علیه بشریت پایان داد.» تعدادی از نهادها نیز از این فراخوان حمایت کرده‌اند.

فراخوانی نیز توسط بیش از ده تشکل، کارزار و شبکه مبارزاتی در خارج برای ۱۰ روز اعتراض به اعدام از ۱۷ تا ۲۷ ماه مه (۲۷ اردیبهشت تا ۶ خرداد) تحت عنوان «نه به اعدام، آری به زندگی» منتشر شده است. سه‌شنبه‌های اعتراض به اعدام نیز هر هفته در بیش از ۴۰ زندان جریان دارد. خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم‌به‌اعدام نیز چندین هفته است روزهای سه‌شنبه در حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام دست به تجمع می‌زنند.

جمهوری اسلامی ماشین آدم‌کشی خود را بیش‌ازپیش به کار انداخته و روزی نیست سیستم قضایی حکومت احکام اعدامی صادر نکند و یا کسانی را به دار نیاویزد و خانواده‌هایی را داغدار نکند. فراخوان‌های علیه اعدام در داخل و خارج از هر نظر قابل حمایت است. باید به این فراخوان‌ها پیوست و جنبش علیه اعدام را هر چه بیشتر تقویت کرد.

جمهوری اسلامی به اعدام و سرکوب و جنایت برای بقای خود نیاز دارد. این حکومت قتل و جنایت است و بدون آن دوام نخواهد آورد. اگر خاکریز حجاب که یکی از مهم‌ترین بنیادهای سیاسی و ایدئولوژیک رژیم است را فتح کردیم، ابزار اعدام را نیز می‌توانیم و باید از کار بیندازیم. باید هر چه گسترده‌تر به جنبش علیه اعدام و فراخوان‌های علیه اعدام پیوست و با مبارزهای متحد و مستمر و سازمان‌یافته همراه با دادخواهان و محکومین به اعدام گلوی جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر بفشاریم تا هم محکومین به اعدام را نجات دهیم و هم صفوف خود را علیه حکومت فشرده‌تر کنیم.

حزب کمونیست کارگری از این فراخوان‌ها با تمام قوا حمایت می‌کند و همه مردم شریف و آزاده در ایران و خارج کشور، همه مردم سرنگونی‌طلب، از کلیه نهادها و تشکلهای مبارزاتی، فعالین جنبش زن زندگی آزادی، کارگران و معلمان و بازنشستگان، کادر درمان و دانشجویان و دانش‌آموزان، فعالین حقوق زن، نویسندگان و هنرمندان و همه انسان‌های آزاده را فرامی‌خواند از این فراخوان‌ها حمایت کنند و صف همبسته و قدرتمندی برای پایان دادن به جمهوری اسلامی و ماشین آدم‌کشی آن سازمان بدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۲ مه ۲۰۲۵



## انحلال پ ک ک و پیامدهای آن

تدوین شده بر مبنای برنامه پاسخ با حمید تقوایی در کانال جدید

صفحه ۲

## به بهانه اجلاس سالانه آی.ا.ا

گفت‌وگو با شهلا دانشفر

صفحه ۵

اطلاعیه فریدم نو

## با فراخوان "کمیته سراسری برگزاری تجمع

اعتراضی" در ژنو همراهیم

صفحه ۷

## ترامپ، کشورهای عربی، و جمهوری اسلامی

گفتگو با کاظم نیک‌خواه

صفحه ۸

## راه حل عبور از فلاکت و بحران

سرنگونی عامل آن است!

حمید دائمی

صفحه ۱۰

## «دیپلماسی دیل»، پیرامون نتایج سفر ترامپ به

کشورهای عربی

محمد شکوهی

صفحه ۱۱

## نمای نزدیک: آشنایی با فعالین

حزب کمونیست کارگری ایران

هرمز رها

صفحه ۱۴

## سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۷



## انحلال پ ک ک و پیامدهای آن

تدوین شده بر مبنای برنامه پاسخ با حمید تقوایی در کانال جدید

کلاً باید گفت مبارزه مسلحانه از همان ابتدا، از سال ۱۹۷۸ که پ ک ک تشکیل شد، به این حزب تحمیل شد. اگر سرکوبگری‌های دولت مرکزی ترکیه نبود، مقاومت مسلحانه در برابر آن نیز شکل نمی‌گرفت. همانطور که اگر یورش نظامی جمهوری اسلامی به کردستان در سال ۱۳۵۸ نبود، احزاب و نیروهای مثل کومه له و حزب دموکرات نیز دست با اسلحه نمی‌بردند. امروز چنان از درایت پ ک ک در دست کشیدن از مبارزه نظامی صحبت می‌کنند که گویی این حزب بوده است که جنگ با دولت مرکزی را آغاز کرده است. گویی برهم‌زننده صلح و "زندگی مسالمت‌آمیز بین ترک‌ها و کردها" پ ک ک بوده است و نه دولت تروریست اردوغان که همچنان پ ک ک را تروریست می‌نامد!

همانطور که اشاره کردم امروز شرایط سیاسی و اجتماعی برای ادامه مبارزه مسلحانه در سنت پیشمرگایی و ناسیونالیستی دیگر امکان‌پذیر نیست؛ اما این نباید به معنی نفی مقاومت مسلحانه در هر شرایطی و ممنوعیت دست‌بردن به اسلحه از جانب نیروهایی که علیه ستم و تبعیض ملی و یا برای هر امر بر حق دیگری مبارزه می‌کنند فهمیده شود. باید همچنان از حقانیت مبارزه مسلحانه در شرایطی که اختناق حاکم تمام درها را بر روی فعالیت سیاسی بسته است دفاع کرد. این بدیهیت نیز در فضای سیاسی "صلح‌دوستانه" به نظر من سطحی و غیرسیاسی ای که دست کشیدن از مبارزه مسلحانه و انحلال پ ک ک ایجاد کرده به فراموشی سپرده شده است.

در حال بحث ختم مبارزه مسلحانه و انحلال پ ک ک موضوع مشخصی است که باید بر متن شرایط مشخص حاضر بررسی شود. در شرایط حاضر ظاهراً شرکت برخی از نیروهای کرد در پارلمان ترکیه و انتخاب برخی به‌عنوان شهردار (گرچه خیلی از این مقامات انتخابی کرد، نظیر شهردار استانبول، به جرم رابطه با "تروریست‌ها" دستگیر و زندانی شدند) و یا به رسمیت‌شناسی هویت کردی (که مدت‌ها بود دولت آنان را ترک کوهی می‌نامید) زمینه ختم مبارزه مسلحانه و روی آوردی به فعالیت سیاسی را فراهم کرده است.

اما مسئله این است که همانطور که اشاره کردید، پ ک ک نه تنها مبارزه مسلحانه، بلکه انحلال خود، یعنی ختم هر نوع فعالیت سیاسی از جانب این حزب را، اعلام کرده است.

**حسن صالحی:** حزب کارگران کردستان ترکیه، پ ک ک، بعد از بیش از ۴ دهه فعالیت نه فقط به مبارزه مسلحانه پایان داد؛ بلکه خودش را در کنگره دوازدهم این حزب منحل کرد. این تصمیم بعد از نامه معروفی بود که در ماه فوریه اوجالان رهبر این حزب نوشته بود و از اعضای حزب خواسته بود در کنگره این تصمیم را بگیرند. خیلی‌ها هم از این تصمیم استقبال کردند، از جمله احزاب کردی، دولت‌ها، و چهره‌های سیاسی. دبیرکل سازمان ملل هم این اقدام را ستود و آن را مثبت دانست. نظر شما در این مورد چیست؟

**حمید تقوایی:** در این مورد قبلاً هم، بعد از فراخوان اوجالان در ماه فوریه، در این برنامه صحبتی داشتیم. تا جایی که به کنار گذاشتن اسلحه و خط مبارزه مسلحانه مربوط می‌شود این امری اجتناب‌ناپذیر بود؛ چون عملاً دیگر مبارزه مسلحانه، به شیوه‌ای که کلاً احزاب ناسیونالیست کرد در ترکیه و کشورهای دیگر منطقه به پیش می‌بردند، دوران‌شان به سر رسیده است. این مبارزه مبتنی بود بر یک جامعه روستایی و مناسبات فئودالی و ماقبل سرمایه‌داری. نیروهای مسلح این سازمان‌ها اساساً از روستاها برخاسته بودند و اگر هم خاستگاه شهری داشتند به اصطلاحی که در ایران هم بکار می‌رود باید "می‌زدند به کوه". پیشمرگه چریک شهری نبود، چریک کوه بود. این شرایط مدت‌هاست که سپری شده. هم از نظر اجتماعی و اقتصادی و هم ترکیب جمعیتی مدت‌هاست شهر و مبارزات و اعتراضات شهری، در ترکیه و در سایر کشورهای منطقه، نقش محوری پیدا کرده است و دوره "زدن به کوه" و یا نیرو گرفتن از روستاییان به سر رسیده است. اوجالان، رهبر پ ک ک و تئوریسین جنبش ناسیونالیسم کرد که نظرات تازه‌ای را مطرح کرده، کاملاً به این تغییر شرایط واقف است و حتی قبل از دستگیری در ۲۰ سال پیش این نظر را داشت که باید تفنگ‌ها را زمین گذاشت و بارها پیشنهاد آتش‌بس داد که از سوی دولت ترکیه پذیرفته نشد و یا عملاً شکسته شد.

در سطح تئوریک نیز نظرات اوجالان در مورد کنفدرالیسم دموکراتیک و شیوه تحقق آن با مبارزه مسلحانه مغایر است. می‌توان گفت در دو دهه اخیر دولت اردوغان با حملات و سرکوب شدید و خشن نیروهای پ ک ک و مردم کردستان ترکیه در واقع ادامه مبارزه مسلحانه را به پ ک ک تحمیل کرد.

## انحلال پ ک ک و پیامدهای آن

از صفحه ۲

پ ک ک دولت ترکیه بیانیهای داده است؟ آیا حق به رسمیت شناخته شده؟ آیا حتی وعده وعیدی داده شده؟ کنگره پ ک ک پیاپی داد و اعلام کرد که باید به فعالیت مدنی و دموکراتیک روی آورد. آیا دولت ترکیه در پاسخ گفته است از این رویکرد و از فعالیتها و اعتراضات مدنی و دموکراتیک استقبال می کند؟

**حسن صالحی:** البته دولت ترکیه واکنش مساعدی نشان داده است.

**حمید تقوایی:** ولی من ندیدم که حق را به رسمیت شناخته باشد. آیا حق را به رسمیت شناخته اند و حتی وعدهای داده اند؟ آیا گفته اند اوجالان را مثلاً یک ماه دیگر آزاد می کنیم؟ یا زندانیان دیگر پ ک ک را آزاد می کنیم؟ یا حتی از این پس فعالین جنبش علیه تبعیض ملی را تروریست نخواهیم نامید و به زندان نخواهیم انداخت؟ واقعیت این است که در این سه ماه ای که از فراخوان اوجالان می گذرد دولت اردوغان هیچ گامی در این جهت برنداشته است. حزبی در اپوزیسیون خود را منحل می کند بدون اینکه دولت در ادعاهای و سیاستهای خودش تغییری داده باشد.

خیلی از مقامات دولتی ترکیه از توقف مبارزه مسلحانه از جانب پ ک ک از این زاویه که صلح بهتر از جنگ است استقبال کرده اند. یک صلح طلبی عوام فریبانه که این تصویر را می دهد که گویا مردم کردستان و حزب پ ک ک باعثوبانی جنگ بوده اند و نه دولت ترکیه! می گویند مبارزه مسلحانه تمام می شود و دیگر خونی ریخته نمی شود و کشتاری نمی شود، اما هیچ کس نمی گوید عامل جنگ و کشتار دولت ترکیه بوده است که بارها به مناطق گردنشین هجوم برده، عدهای از مردم بی گناه را کشته و تعداد زیادی را آواره کرده است.

در بیانیه پایانی کنگره ۱۲ پ ک ک بخشی از این جنایت دولت ترکیه تنها در سال ۹۹۳ اینطور بیان شده است. "هزاران روستا تخلیه و سوزانده شدند. میلیون ها کورد از خانه و کاشانه خود آواره شدند، ده ها هزار نفر شکنجه و به زندان افکنده شدند و هزاران نفر به شکل جنایتهایی که فاعلشان مجهول است به قتل رسیدند."

صلح طلبی عوام فریبانه امروز دولت اردوغان در واقع بخشی از همان ادعاهای و سیاستهای سرکوبگرانه و عوام فریبانه ای است که تا کنون داشته است.

**حسن صالحی:** عبدالله اوجالان نظریه پرداز و تئورسین احزاب و نیروهای سیاسی گرد است و نوشته هایش در مورد کنفدرالیسم دموکراتیک تأثیرات زیادی در میان نیروهای ناسیونالیست گرد در منطقه داشته است. آیا رابطه ای بین این نظریه و انحلال پ ک ک وجود دارد؟

**حمید تقوایی:** این انحلال از لحاظ نظری بر بستری اتفاق می افتد که مدت هاست پرچمش را اوجالان بلند کرده است. اساس نظریه اوجالان که به آپوئیسم معروف شده این است که باید دموکراسی و جامعه دموکراتیک را از پایین شکل داد. محور بحث اوجالان کنفدرالیسم دموکراتیک است که مبتنی است بر ساختن نهادهای دموکراتیک با شرکت گروه های اتنیک و مردم، به ویژه زنان، از مذاهب و ملیت ها و گروه های اتنیک مختلف و همه این ترزا در نقد نظام های موجود و علیه "مدرنیته کاپیتالیستی" عنوان می شود.

نکته اصلی این نظرات، تا آنجا که به بحث مشخص ما بر می گردد، این است که باید فعالیت مدنی - اجتماعی را محور قرار داد. این در واقع نوعی دست شستن از هر ادعای سیاسی و استراتژی سیاسی است. مثلاً ایده حق تعیین سرنوشت، که در دوره شوروی پ ک ک و همه نیروهای مدعی حل مسئله ملی طرفدار آن بودند، و یا خودمختاری و جدایی و غیره کنار گذاشته می شود. کلاً دست بردن به قدرت سیاسی، تشکیل دولت و سهم داشتن در دولت مذموم و مردود اعلام می شود، و هیچ نوع هدف و ادعای سیاسی نظیر شرکت در دولت مرکزی و یا اداره یک منطقه گردنشین

این انحلال از هیچ نظر قابل دفاع و توجیه نیست. مبارزه پ ک ک با حکومت مرکزی، مستقل از سیاست های ناسیونالیستی که دنبال می کرد، بالاخره در قالب رفع ستم و تبعیض ملی تعریف می شد و خود را بیان می کرد. سؤال این است که آیا این تبعیض و ستم که دولت اردوغان یکی از وحشیانه ترین دولت های عامل آن است، برطرف شده است؟

شکل مبارزه بسته به شرایط قابل تغییر است؛ اما مضمون و هدف مبارزه تغییرناپذیر است. قاعداً مبارزه احزاب مدعی رفع ستم ملی وقتی موضوعیت خود را از دست می دهد که ستم و تبعیض ملی متوقف شده باشد. آیا در ترکیه چنین شده است؟ دست شستن از تبلیغات علیه "ترک کوهی" و تحمل همراه با بگرو بوند برخی از چهره های مدافع مردم کردستان در انتخابات ها، بسیار ناچیزتر و شکننده تر از آن است که آن را حتی گامی در جهت رفع تبعیض ملی به شمار آورد. در ترکیه امروز حتی پایه ای ترین خواست های مردم کردستان متحقق نشده است. در بعضی از جنبه ها که وضعیت مردم بدتر هم شده است. هنوز تبعیض و ستم ملی و بی حقوقی مردم کردستان یک مسئله حاد و مطرح در جامعه است. تا زمانی این مسئله حل نشده، انحلال احزاب مدعی مبارزه برای رفع ستم ملی بی معنی است. پ ک ک و طرفداران انحلال آن این موضوع را ناگفته می گذارند و یا با کلی گویی از آن می گذرند؛ اما برای مردم تحت ستم ملی این مهم ترین موضوعی است که باید پاسخ بگیرد.

**حسن صالحی:** اشاره داشتید به دولت ترکیه. سؤال من این است که از منظر دولت ترکیه انحلال پ ک ک چه معنا و جایگاهی دارد؟ گفته می شود که مذاکرات و توافقات پشت پرده ای منجر به انحلال پ ک ک شده است. برخی می گویند دولت ترکیه هم با مشکلات عدیده ای روبرو هست و می خواهد شرایط در جنوب شرقی کشور را آرام کند. به نظر شما چه نوع توافقاتی ممکن است صورت گرفته باشد و منفعت دولت ترکیه در این توافقات چه می تواند باشد؟

**حمید تقوایی:** این روشن است که از هر نظر دولت ترکیه سود برده است. یک نیروی مسلح مخالف دولت خودش را خلع سلاح کرده بدون اینکه هیچ امتیازی گرفته باشد و حتی امتیازی وعده داده شده باشد. اینکه پشت پرده چه گفته اند را کسی نمی داند؛ ولی در جلو پرده خبری نیست.

وقتی ۳ ماه پیش، در فوریه، اوجالان فراخوان انحلال داد رهبران پ ک ک گفتند ایشان در کنگره بعدی حاضر خواهد شد و انحلال حزب را خودش اعلام خواهد کرد که غیرمستقیم به این معنی بود که انحلال در گرو آزادی اوجالان است. آزادی اوجالان حداقل خواستی بود که حزب پ ک ک مطرح کرد، اما اردوغان حتی با این هم موافقت نکرد. اردوغان بعد از انتشار پیام اوجالان در ماه فوریه گفت این پیام تحت فشار یا مذاکره یا حتی وعده و قراری از جانب ما داده نشده و موضع خود اوجالان است و امروز هم همان شرایط است. اگر امتیازی در کار بود قاعداً اولینش می باید آزادی اوجالان می بود.

به نظر این یک جاده یک طرفه است. پ ک ک بعد از قریب ۵۰ سال مبارزه اسلحه را زمین گذاشته و خود را منحل کرده بی آنکه هیچ امتیازی گرفته باشد. حالا دولت ترکیه می تواند این مدال را به سینه خود بزند که یک گروه تروریست را عاقبت شکست داده و به انحلال کشانده است. این تحول خودبه خود این توهم را ایجاد می کند که گویا مسئله ستم تبعیض علیه کردها هم حل شده و یا دولت ترکیه در جهت احقاق حقوق مردم گرد دارد حرکت می کند. سؤال این است آیا حتی بعد از اعلام انحلال

## انحلال پ ک ک و پیامدهای آن

از صفحه ۳

و غیره مطرح نمی‌شود. مقوله ملت - دولت ارتجاعی اعلام می‌شود و در مقابل و به‌عنوان آلترناتیو آن جوامع کمونال، کنفدرالیسم دموکراتیک، و بازسازی دموکراسی از پایین به بالا قرار می‌گیرد.

این نظریه معنی سیاسی‌اش در دنیای امروز همین سرنوشتی است که پ ک ک پیدا کرد. یعنی دست شستن از مبارزه سیاسی حزبی و روی‌آوری به فعالیت‌های مدنی - دموکراتیک. حزب و حزبیت بدون ادعای قدرت و خواست و هدف دست‌بردن به قدرت سیاسی موضوعیت خود را از دست می‌دهد و تبدیل می‌شود به مجموعه‌ای از فعالیت‌های مدنی در قالب گروه‌های فشار بر دولت‌های موجود. در بیانیه کنگره ۱۲ پ ک ک نیز چندین بار از "ساخت جامعه دموکراتیک"، "توسعه پارادایم جامعه دموکراتیک"، "ایجاد سازمان‌های خودمدیر" و نظایر آن صحبت شده و همه اینها بدون توجه به اینکه دولتی نظیر اردوغان اساساً اجازه نمی‌دهد این نوع فعالیت‌های دموکراتیک صورت بپذیرد.

قدرت سیاسی، هم به معنی آماج مبارزات امروز مردم و هم به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در برقراری آزادی و برابری، و یا به زبان آپوئیسم تحقق جوامع کمونال و کنفدرالیسم دموکراتیک، کلاً از تصویر غایب است. روشن است که با چنین دیدگاهی می‌توان به راحتی از حزب دست شست و به توهم ساخت دموکراسی از پایین پرداخت.

بر مبنای تئوری‌های اوجالان نباید از دولت و قدرت سیاسی صحبت کرد؛ چون از نظر ایشان مبنای شر در دنیای امروز دولت - ملت و مدرنیته کاپیتالیستی است. می‌گویند ملت - دولت نمی‌خواهیم؛ بلکه یک جامعه کمونال می‌خواهیم که همه با نژاد خودشان و مذهب خودشان و گروه اتنیکی خودشان برادروار و خواهروار زندگی کنند و معتقدند این را باید از پایین ساخت. این در بهترین حالت یک توهم است.

یک نتیجه این نظرات حزب پژاک در ایران است که رابطه‌ای از نوع دواخردادی‌ها با جمهوری اسلامی دارد.

به این دلایل است که می‌توان گفت بستر تئوریک انحلال پ ک ک را آپوئیسم و نظریه کنفدرالیسم دموکراتیک اوجالان ساخته و فراهم کرده است.

**حسن صالحی:** سؤال دیگر من این است که پیامدهای این انحلال در بخش‌های دیگر کردستان چیست؟ سخنگوی حزب اردوغان در واکنش به انحلال پ ک ک در عین آنکه محتاطانه آن را مثبت قلمداد کرده گفته است که دولت تنها زمانی این را واقعی تلقی خواهد کرد که خلع سلاح کامل همه شاخه‌ها و قطع ارتباط با گروه‌های مسلح گردی در سوریه یعنی یگان‌های مدافع خلق را هم شامل شود. فکر می‌کنید بازتاب این تحول در سوریه و همچنین در کردستان ایران چه خواهد بود؟

**حمید تقوایی:** این تأثیرات چند جنبه دارد. یک جنبه این است که همانطور که گفتیم بن بست مبارزه مسلحانه در سنت پیشمرگانی نیروهای ناسیونالیست گرد تنها مختص ترکیه نیست، در ایران هم مسئله همین است، و در سوریه هم می‌بینیم که بعد از برافتادن رژیم اسد شرایط کاملاً تغییر کرده و بحث ادغام نیروهای مسلح یگان‌های مدافع خلق در نیروهای دولتی مطرح شده است. از این نقطه نظر احزاب کردستانی از کنار گذاشتن مبارزه مسلحانه به وسیله پ ک ک استقبال می‌کنند و آن را پاسخی به مسئله خودشان می‌دانند.

از نظر سیاسی هم چشم‌اندازی در برابر نیروهای ناسیونالیست گرد در مناطق دیگر گشوده می‌شود. این نیروها همیشه به دنبال نوعی تعامل با

دولت مرکزی در کشور خودشان بوده‌اند (حزب دموکرات کردستان ایران در پیشبرد این سیاست دو تن از رهبران خود را از دست داده است) و اکنون تأکید پ ک ک به فعالیت دموکراتیک و مدنی بجای مقابله با دولت مرکزی را نوعی شاخه زیتون به دولت‌های کشور خود می‌بینند. دوباره این توهم در جنبش ناسیونالیسم گرد دامن زده می‌شود که می‌توان وارد فعل و انفعالات سیاسی شد، در انتخابات‌ها شرکت کرد، در پارلمان نماینده داشت و غیره. این پارادایم تازه‌ای است که از یک توهم فراتر نمی‌رود. به نظر من به سرعت معلوم خواهد شد که در به همان پاشنه سابق می‌چرخد و در سیاست‌های دولت‌ها در رابطه با مردم و احزاب کردستان، در ترکیه و سوریه و در ایران، تغییری صورت نخواهد گرفت.

نکته دیگر اینکه مشخصاً در ایران شرایط کاملاً متفاوت است. در ایران مسئله عمده همه مردم، در کردستان و غیر کردستان، خلاصی از شر جمهوری اسلامی و سرنگونی این حکومت است. هیچ نیروی سیاسی‌ای این تصور را ندارد که با وجود جمهوری اسلامی می‌توان وارد یک روند فعالیت مدنی - دموکراتیک شد و کمترین خواست مردم را متحقق کرد. البته احزاب ناسیونالیست گرد همیشه این مسئله مذاکرات و توافق با حکومت را دنبال کرده‌اند؛ اما هیچ‌وقت به جایی نرسیده‌اند و بر سر این سیاست قربانی هم داده‌اند.

در شرایط امروز ایران از نظر بخش عمده نیروهای اپوزیسیون چه در کردستان و چه بقیه استان‌ها، و از نظر اکثریت قریب به اتفاق مردم در همه استان‌های ایران، مسئله این نیست که چطور نوعی روند دموکراسی را شروع کنیم، مسئله این است که چطور جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم. از این رو کلید آپوئیسم به قفل ایران نمی‌خورد.

تا جایی که به سوریه مربوط می‌شود این کشور بعد از سقوط اسد شرایط ویژه‌ای دارد. قبل از فراخوان اوجالان در سوریه بحث بر سر سرنوشت نیروهای مسلح نیروهای آپوئیست بود و صحبت از این بود که این نیروها در ارتش دولت جدید سوریه ادغام شوند. این نیروها هم پیش شرط‌هایی مطرح کرده بودند مثل سهم داشتندشان در قدرت مرکزی و به رسمیت شناخته شدن حقوقشان در قانون اساسی و نظایر آن که طرح اولیه قانون اساسی هم نوشته شد و حق چندانی به مردم کردستان داده نشد.

در حال چون در سوریه حکومت تازه ظاهراً می‌خواهد مناسبات تازه‌ای با کردها داشته باشد، کل بحث در ابعاد دیگری مطرح است. کماینکه احزاب آپوئیستی سوریه از اقدام پ ک ک در ترکیه حمایت کرده‌اند بدون آنکه خود این سیاست را دنبال کنند.

البته همانطور که گفتید دولت ترکیه می‌گوید فقط در کشور خودم کافی نیست باید در سوریه هم احزاب همسو با پ ک ک اسلحه‌ها را زمین بگذارند! دولت ترکیه در تحولات سوریه نقش مهمی ایفا کرده و بر این مبنا است که چنین احکامی صادر می‌کند. اما به طور واقعی نمی‌توان سرنوشت این نیروها را به هم گره زد. تکرار اقدام پ ک ک در سوریه و یا در ایران عملی نیست و چنین چیزی در چشم‌انداز قرار ندارد.

**حسن صالحی:** مبارزه پ ک ک در نزدیک به ۵۰ سال فعالیتش برای رفع ستم ملی علیه مردم کردستان بود. در نامه اوجالان و در بیانیه کنگره این حزب آمده که ما پیشروی‌هایی داشته‌ایم. نظیر اینکه گرد انکار می‌شد و امروز این طور نیست و به درجه‌ای پذیرفته شده است. سؤال من این است که با انحلال پ ک ک مبارزه برای رفع تبعیض و ستم ملی علیه مردم کردستان در ترکیه به چه شکلی به پیش می‌رود؟

**حمید تقوایی:** در همین بیانیه پایانی کنگره ۱۲ پ ک ک نکته مطرح شده که وضعیت امروز رابطه دولت مرکزی با نیروهای کردستانی را به روشنی نشان می‌دهد. در همان ابتدای بیانیه آمده است: "کنگره ما با وجود شرایط

## به بهانه اجلاس سالانه آی.ال.او

گفت‌وگو با شهلا دانشفر



شدند، باید جمهوری اسلامی هم از این سازمان بیرون انداخته شود و بایکوت جهانی گردد.

ما در این مدت توانسته‌ایم شماری از اتحادیه‌های کارگری که بعضاً بالای ۵۰۰ هزار عضو دارند، از کانادا، سوئیس، عراق و استرالیا و لیستی از اکتیویست‌های کارگری و اجتماعی و کمیته‌های سیاسی در سطح جهانی را با خود همراه کنیم. در دیداری که با مسئول سیاست بین‌المللی کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا CGIL، اتحادیه‌ای با پنج و نیم میلیون عضو داشتیم آنها در همراهی با صحبت‌های ما بر اخراج نمایندگان تشکلهای دست‌ساز حکومتی از سازمان جهانی کار تأکید داشتند. از نظر من اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار یک گام مهم از بایکوت و انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی و یک عرضه مهم جنبش سرنگونی و تضعیف این حکومت در سطح جهانی است. بعلاوه یک تلاش ما بازتاب دادن صدای اعتراض کارگران و مردم ایران در چنین اجلاس‌هایی است که قدم مهمی در جهت انزوای جهانی جمهوری اسلامی است. تأکید ما به اتحادیه‌ها و نهادهای انسان‌دوست جهانی همواره این بوده است که با حمایت خود از کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی و با اعتراض علیه اعدام‌ها به دولت‌های خود فشار بیاورند که به ممانشات خود با جمهوری اسلامی پایان دهند و این حکومت کثیف و جنایت‌کار را طرد و زیر فشار سنگینی قرار دهند و این کار از نظر ما یک‌شکل عملی و مؤثر حمایت‌های بین‌المللی از کارگران و مردم ایران است؛ بنابراین اینها همه اهداف ما در پیشبرد کارزار بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و از جمله حضور اعتراضی ما در برابر اجلاس‌های سازمان جهانی کار است و وقتی از این منظر به این فعالیت‌ها نگاه کنید جایگاه و اهمیت این کار بیشتر روشن می‌شود.

اما پرسیده‌اید که آیا با اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تغییری در وضع حقوق و وضعیت معیشت کارگران در ایران ایجاد می‌شود؟ در پاسخ می‌گویم این تأثیر فوراً در معیشت و وضعیت حقوقی کارگران در ایران قابل مشاهده نیست. همانطور که یک اعتراض معین الزاماً فوراً به حل مشکل معیشتی کارگر منتهی نمی‌شود. اما اعتراض کارگر اولاً مانع تعرضات بیشتر می‌شود. ثانیاً به اعتراضات کارگران قدرت بیشتری می‌دهد و در نتیجه کارگران با اتحاد بیشتری می‌توانند برای تحقق خواست‌هایشان به جلو گام بردارند.

در رابطه با سؤال مورد اشاره شما نیز همین منطق صادق است. پیشبرد کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و هر قدم از پیشروی ما در این عرصه، جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی در موقعیت ضعیف‌تری قرار می‌دهد و به انزوای جهانی آن شدت می‌بخشد و این خود توازن قوا را به نفع مبارزات کارگران و مردم ایران بهبود می‌دهد. به عبارت روشن‌تر گسترش جلب حمایت‌های بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و افکار مردمی فشاری بر روی دولت‌ها و نهادهایی چون آی ال او است که به ممانشاتشان با جمهوری اسلامی خاتمه دهند. ضمن اینکه انزوای جهانی جمهوری اسلامی بحران‌های سیاسی - اقتصادی حکومت را تشدید کرده و فشار بیشتری بر کرده حکومت وارد می‌کند و این مهم است.

**انترناسیونال:** همان‌طور که اشاره کردم خواست فوق سال‌ها است که از جانب حزب مطرح می‌شود. موانع اصلی تحقق این خواست تاکنون چه مواردی

**انترناسیونال:** حزب کمونیست کارگری

سال‌ها است که در زمان برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار دست به تجمع و اعتراض می‌زند و خواست اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان را مطرح می‌کند. به‌عنوان یکی از سازمان‌دهندگان همیشگی این اعتراضات لطفاً توضیح دهید دلایلتان برای طرح این خواست چیست؟ آیا اگر جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار اخراج شود، تغییری در وضع حقوق و وضعیت معیشت کارگران در ایران ایجاد می‌شود؟

**شهلا دانشفر:** هفده سال است که ما کارزار اخراج جمهوری اسلامی این حکومت آپارتاید جنسی و جنسیتی، حکومت اعدام و سرکوب و ویرانگر انسانیت که مظهر جنایت علیه بشریت است را دنبال می‌کنیم و خواست ما بایکوت و انزوای جهانی آن است.

ما در چندین سال اول شروع این کارزار همزمان با اجلاس‌های سالانه سازمان جهانی کار به ژنو رفته و در اعتراض به حضور نمایندگان حکومت جنایت‌کار جمهوری اسلامی و عضویت آن در این سازمان در همان روز آغاز اجلاس‌ها به کمک اتحادیه‌های کارگری جهانی موفق می‌شدیم که به درون سالن کنفرانس راه پیدا کنیم و با در دست داشتن عکس‌های کارگران زندانی در ایران و پخش بیانیه‌های اعتراضی‌مان در محل، صدای اعتراض کارگران و مردم ایران باشیم. حضار نیز با کف‌زدن ما را مورد حمایت قرار می‌دادند. این کار ما حتی به کشورهای دیگری نیز که با دیکتاتورهای طرف هستند جرئت بخشید و راه نشان داد. ما در این اجلاس‌ها پرچم جمهوری اسلامی را پایین کشیدیم و فعالیت‌هایمان در بزرگ‌ترین رسانه‌های جهانی بازتاب می‌یافت. بدین ترتیب توانستیم صدای رسا و قدرتمند خود را به گوش جهانیان برسانیم.

اما با شدت پیدا کردن تهدیدات امنیتی سازمان جهانی کار و با توجه به اینکه ما کار خود را کرده بودیم، تصمیم گرفتیم با برگزاری آکسیون‌های اعتراضی در مقابل اجلاس آی ال او اعتراض خود را دنبال کنیم و این اعتراضات هر ساله ادامه یافت. امسال نیز همین برنامه را در دستور داریم.

"کمیته سراسری برگزاری تجمع اعتراضی در ژنو" در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار و در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران برای روز جمعه ششم ژوئن ۲۰۲۵ به برگزاری آکسیون فراخوان داده است. اتحادیه‌های کارگری مختلفی از فرانسه، سوئد، ایتالیا، دانمارک، آلمان و سوئیس از این آکسیون اعتراضی اعلام حمایت کرده‌اند. ما هم آنجا خواهیم بود. ضمن اینکه یکی از اعضای نهاد "کمپین برای آزادی کارگری زندانی" (Free Them Now) عضوی از این کمیته است و ما همگاماً با شرکت در این آکسیون اعتراضی فراخوانده‌ایم.

بعلاوه ما همواره طی نامه‌هایی به اتحادیه‌های کارگری جهانی خواستار حمایت از این اعتراض شده‌ایم و پاسخ‌هایی هم گرفته‌ایم. همچنین طی نامه‌هایی اعتراضی و سرگشاده به آی ال او خواستار این شده‌ایم که صدای کارگران و مردم ایران را بشنوند. به ممانشات‌گری‌هایشان پایان دهند و همانطور که حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در سطح جهان بایکوت و از همه سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی از جمله آی ال او اخراج شد، همانطور که نمایندگان حکومت فاشیست هیتلری با خواست نمایندگان اتحادیه‌های کارگری جهانی از سازمان جهانی کار اخراج

## به بهانه اجلاس سالانه آی.ال.او

از صفحه ۵

بوده‌اند؟ چرا علی‌رغم اطلاع نهادهای بین‌المللی از وضعیت کارگران در ایران، آی ال او همچنان از اخراج جمهوری اسلامی سر باز می‌زند؟

**شهلا دانشفر:** بایکوت جمهوری اسلامی و به‌عنوان قدم‌های اولیه اخراج آن از سازمان جهانی کار، تابعی از پروسه پیشروی جنبش سرنگونی در ایران است. ضمن اینکه هر قدم پیشروی در این عرصه تقویت‌کننده جنبش سرنگونی است. یک مانع اصلی منافع اقتصادی دولت‌های غرب و آمریکا و مداخلات گری‌هایشان با حکومت‌های دیکتاتوری چون جمهوری اسلامی است. همین‌الان شما حکومت اسلامی را در موقعیتی تسلیم شده در پای میز مذاکره با ترامپ می‌بینید. ترامپ نمی‌خواهد جمهوری اسلامی بمب هسته‌ای داشته باشد. ترجیح می‌دهد با مذاکره و توافق ایران را وادار به تسلیم کند. چماق گزینه جنگ و یا بمباران مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی را هم بالای سر حکومت قرار داده است. ضمن اینکه گفته است می‌خواهد ایران تحت همین رهبری کشوری ثروتمند و موفق باشد. دول غرب نیز با این سیاست هم‌جهت هستند و امروز می‌بینیم که جمهوری اسلامی که از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را شکست‌خورده می‌بیند تسلیم به چنین مذاکراتی شده است؛ بنابراین سیاست این دولت‌ها بایکوت جمهوری اسلامی نیست. بلکه مداخلات و در کنارش چماق تحریم و اگر رام نشد، گزینه نظامی است. اما صحنه گردان این ماجرا فقط آمریکا و غرب و حکومت اسلامی نیستند. بلکه نقش تعیین‌کننده با مردم است. از جمله دیدیم که چگونه انقلاب زن زندگی آزادی مورد تحسین افکار جهانی قرار گرفت و نفس این اتفاق زمینه را برای همبستگی‌های بین‌المللی بیشتر کرد. نتیجه همین فشارها بود که جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل بیرون انداخته شد. درگفتمان‌های جهانی از آپارتاید جنسی به‌عنوان جنایت علیه بشریت نام برده شد. عفو بین‌المللی در گزارشات خود با عنوان "ویرانگران انسانیت" از جمهوری اسلامی نام برد و جنایاتش را "جنایت علیه بشریت" خواند و کمیته‌های حقیقت‌یاب سازمان ملل برای رصدکردن جنایات جمهوری اسلامی تشکیل شدند و دارند کارشان را ادامه می‌دهند و از سوی دیگر پرونده جنایت جمهوری اسلامی در قبال سرنشینان هواپیمای اوکراینی که با شلیک موشک‌های این حکومت وحشی به قتل رسیدند در دادگاه لاهه باز است. این‌ها همه پیشروی‌های انقلاب زن زندگی آزادی، جنبش سرنگونی و کارزار بایکوت جهانی جمهوری اسلامی است.

امروز با اتکا به این پیشروی‌ها و با قدرت مبارزاتمان کارزار جهانی بایکوت جمهوری اسلامی را به جلو می‌بریم. نقطه اتکای ما جلب همبستگی جهانی

و بشریت متمدن است و همانطور که اشاره کردم تجربه انقلاب زن زندگی آزادی و تجربیات جهانی همچون تجربه مردم در برابر حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که ما می‌توانیم ورق را برگردانیم. ما می‌توانیم کاری کنیم. ما می‌توانیم با جلب حمایت‌های بین‌المللی کارگری و نهادهای انسان‌دوست این مداخلات‌ها را ضعیف کنیم. سازمان جهانی کار را زیر فشار قرار دهیم. اتحادیه‌های کارگری بیشتری را با خود همراه کنیم و بالاخره اینکه دولت‌ها را زیر فشار قرار دهیم. از نظر من این مسیر پیشبرد قدرتمندتر سیاست کارزار بایکوت جهانی جمهوری اسلامی است و به‌عنوان قدم اول اخراج آن از نهادهای بین‌المللی از جمله از سازمان جهانی کار است.

**انترناسیونال:** اما برگردیم به مراسمی که امسال پیش رو داریم. امسال باتوجه به شرایط حادثه از همیشه وضع معیشت و حقوق کارگران و کارگران دریند، برنامه شما برای سازماندهی اعتراض در مقابل اجلاس سالانه آی ال او چیست؟ فراخوانتان به سایر نیروهای چپ و آزادی‌خواه در این باره چیست؟

**شهلا دانشفر:** سؤال درستی است. جمهوری اسلامی حکومت فاجعه‌های مرگبار است. دیدید که در بندر رجایی چه جنایتی صورت گرفت و با گزارشاتی که بیرون داده می‌شود هر روز بیشتر ابعاد این جنایت مرگبار رو می‌شود. آمار تکان‌دهنده قربانیان محیط‌های کار گوشه دیگری از این فجاجع است و به خیابان کشیده‌شدن شعار "از معدن تا بندر محل قتل کارگر" فریاد اعتراض و دادخواهی مردم در برابر چنین جنایاتی است. بعلاوه در شرایطی که فلج اقتصادی جمهوری اسلامی جامعه را به تعطیلی کشانده است؛ برق، آب، هوا و اولیه‌ترین نیازهای زندگی از کارگران و مردم بریده شده است. در شرایطی که جامعه از خشم جهنمی که به پا شده به نقطه انفجار رسیده و از هر گوشه آن اعتراض می‌بارد، با صدای رساتری باید اعتراضمان را به گوش جهانیان برسانیم. به‌ویژه اینکه حکومت به‌خوبی حس می‌کند که جامعه آبستن طغیانی قدرتمندتر از آنچه که در سال ۱۴۰۱ فوران زد است و در هراس از آن به وحشیانه‌ترین شکلی سرکوب می‌کند و آمار اعدام‌ها هر روز بیشتر می‌شود. جلب همبستگی‌های جهانی در حمایت از کارگران و مردم ایران و علیه این حکومت مرگ‌آفرین، فوری و اضطراری است. در چنین شرایطی ضروری است که بیش از هر وقت این وضعیت را در سطح جهان بازتاب دهیم. اجلاس سازمان جهانی کار موقعیت خوبی است که هم بتوانیم بیشترین حمایت‌های کارگری را جلب کنیم و هم فشاری باشیم بر سازمان جهانی کار، آی ال او و مداخلات گری‌هایش. این شرایط می‌طلبد که آکسیون قوی و پرسروصدایی در آنجا برپا کنیم. این شرایط درعین حال تأکیدی است بر اینکه از داخل ایران نیز در این راستا حرکتی بشود و مثل هر سال کارگران و نهادهای کارگری با بیانیه‌های اعتراضی خود مداخلات سازمان جهانی کار با جمهور اسلامی را محکوم کنند و صدای اعتراض خود را جهانی کنند.

چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواسته‌های مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی‌های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی - مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تأکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تأکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی می‌کنند.

(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷ و مساله سه جزیره)

## اطلاعیه فریدم نو

## با فراخوان "کمیته سراسری برگزاری تجمع اعتراضی" در ژنو همراهیم

و انزوای آن در سطح بین‌المللی است. متن فراخوان کمیته سراسری برگزاری تجمع اعتراضی در ژنو ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۱ مه ۲۰۲۴

**ضمیمه:** در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار

و در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران به پا خیزیم!

ما خواهان آزادی بی‌قید و شرط کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی، لغو فوری دستگیری، شکنجه و اعدام، حق تشکلیابی، اعتراض، اعتصاب، امنیت شغلی، ایمنی کار و مزد مناسب با هزینه‌های زندگی هستیم!

تاریخ: جمعه ۶ ژوئن ۲۰۲۵ ساعت: ۱۲ تا ۱۵

آدرس: Place des Nations, Geneve

از تمامی مدافعین حقوق طبقه کارگر و آزادی خواهان دعوت می‌کنیم که در این تجمع اعتراضی شرکت کنند.

کمیته سراسری برگزاری تجمع اعتراضی در ژنو

"کمیته سراسری برگزاری تجمع اعتراضی در ژنو" در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار و در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران برای روز جمعه ششم ژوئن ۲۰۲۵ به برگزاری آکسیون فراخوان داده است. این میتینگ اعتراضی در ساعت دوازده تا سه بعدازظهر در میدان ملل مقابل اجلاس سازمان جهانی کار در ژنو در کشور سوئیس برگزار خواهد شد.

خواست‌های مورد تأکید در این فراخوان عبارت‌اند از: "آزادی بی‌قید و شرط کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی، لغو فوری دستگیری، شکنجه و اعدام، حق تشکلیابی، اعتراض، اعتصاب، امنیت شغلی، ایمنی کار و مزد مناسب با هزینه‌های زندگی."

در این فراخوان از تمامی مدافعین حقوق طبقه کارگر و آزادی خواهان دعوت شده که در این تجمع اعتراضی شرکت کنند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) همچون سال گذشته با این آکسیون همراه است و از همه انسان‌های آزادی خواه می‌خواهد که ما را در این آکسیون اعتراضی همراهی کنند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همزمان با این آکسیون دیدارهایی با نهادهای کارگری و حقوق بشری سازمان ملل، ترتیب داده است و در این دیدارها یک گفتمان ما تلاش برای اخراج جمهوری اسلامی این حکومت فاجعه‌آفرین، ضدکارگر و ضد انسان و آپارتاید جنسی از سازمان جهانی کار

## در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی

## در اجلاس سازمان جهانی کار

و در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران به پا خیزیم!

تجمع اعتراضی مقابل اجلاس سازمان جهانی کار - ژنو

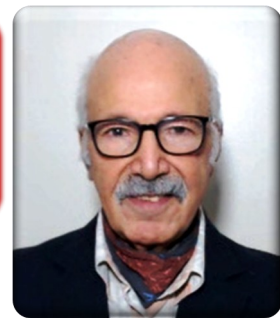
Location: Place des Nations, Geneve  
**6 June 2025** From 12 to 15 pm

**FREE THEM NOW**



## ترامپ، کشورهای عربی، و جمهوری اسلامی

گفت و گو با کاظم نیکخواه



میان ایران و آمریکا خواهند داشت؟

**کاظم نیکخواه:** خب از نظر روانی این سفرها و قراردادهای کلان و تبلیغاتی که حول و حوش آن راه افتاده، روی جمهوری اسلامی فشار سنگینی را می‌گذارد. اما از نظر عملی و فوری شاید تفاوت چندانی ایجاد نکند. بالاخره جمهوری اسلامی زیر منگنه است که به فشارهای دولت ترامپ گردن بگذارد و خواهد گذاشت. این حکومت می‌داند که در مقایسه با همه کشورها وضعیت وخیمی دارد. آرزو می‌کند که با کشورهای دنیا در ارتباط اقتصادی و دیپلماتیک باشد. اما در چنگال سیاست‌هایی اسیر شده است که بیرون آمدن از آنها برایش ساده نیست. تاروپود این حکومت با بحران‌سازی و تنش‌آفرینی تنیده شده است. فضای جامعه، مردم دنیا را علیه آن بسیج کرده است. این یک حکومت بسیار منزوی و ضد ارزش‌ها و عرف بین‌المللی است و با همه چیز تعارض دارد. تقلابها و تلاش‌هایی از جانب جناح‌هایی از حکومت برای تعامل با کشورهای دیگر صورت گرفته که همه به شکست رسیده است و جمهوری اسلامی به همان نقطه‌ای بازگشته که خمینی بنیان گذاشته بود. می‌خواهم بگویم که مقایسه با عربستان و قطر و امارات و ثروت‌های افسانه‌ای این کشورها، برای جمهوری اسلامی فشار است؛ اما فشارهای تازه‌ای نیست. همیشه این فشارها بوده است. بیشترین فشار به حکومت اسلامی، فضای به شدت ملتهب داخلی است که از این نظر نیز در دنیا نمونه ندارد. اکثریت عظیم مردم این کشور نشان داده‌اند که خواهان سرنگونی حکومت اسلامی هستند و به چیری کمتر از آن رضایت نمی‌دهند. این هم در دنیا نمونه ندارد. این فشارها به همراه یک اقتصاد فلج که حتی امکان تأمین برق و گاز و آب مردم را هم ندارد، حکومت اسلامی را به لبه سرنگونی سوق داده است و دنیا این را می‌بیند و می‌داند و ترامپ با هویج و وعده پول و سرمایه‌گذاری نمی‌تواند این چشم‌انداز را برای حکومت تغییر دهد. جمهوری اسلامی چه با توافق چه بدون توافق محکوم به سرنگونی است و با اعدام و سرکوب تلاش می‌کند چند صباحی برای خود وقت بخرد.

**انترناسیونال:** برگردیم به اوضاع داخلی عربستان و تحولات پس از روی کار آمدن محمد بن سلمان. از نظر شما منتهای تحولات اقتصادی آیا بن سلمان مشغول ایجاد یک رفورم فرهنگی باتکیه بر سکولاریسم درون عربستان است؟ سیر تحولات درونی عربستان و آینده آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

**کاظم نیکخواه:** بن سلمان هم داستان خود را دارد. خانواده سعودی طی دهه‌ها در سازمان دادن و حمایت از گروه‌های آدمکش سلفی مثل داعش و اقدامات تروریستی و جنایت‌کارانه آنها در کشورهای مختلف دست داشته‌اند. سرکوب و اعدام مخالفین در این کشور یک امر شناخته شده است. شخص بن سلمان هم از همان اوان ولیعهدی‌اش در پیشبرد این سیاست‌ها نقش بارزی داشته است. او مرتکب جنایاتی شد که دنیا را علیه او به صدا در آورد. یک نمونه فجیع و پرسروصدای آن قتل جمال خاشقچی یکی از مخالفین حکومت بود که در سال ۲۰۱۸ و وقتی برای تمديد ویزایش به سفارت عربستان در ترکیه مراجعه کرده بود، به نحو فجیعی توسط یک تیم از آدمکشان حرفه‌ای بن سلمان تکه‌تکه شد و جسدش هم ناپدید شد. این جنایت مثل بمب در دنیا صدا کرد. به‌ویژه به این دلیل که هنگام شکنجه‌های وحشیانه، تلفن موبایل او روشن بود و به

**انترناسیونال:** این هفته بالاخره پس از هياهو بسیار، سفر ترامپ به کشورهای عربی حوزه خلیج و مشخصاً عربستان سعودی انجام شد. در دیدار ترامپ از عربستان تصمیمات کلانی در رابطه با مبادلات اقتصادی میان دو کشور انجام گرفت. لطفاً کمی حول و حوش مذاکرات انجام شده در این سفر، قراردادهای اقتصادی و تأثیرات آن بر آینده منطقه بگویید.

**کاظم نیکخواه:** همانطور که گفتید جنجال حول سفر ترامپ به عربستان و کشورهای حوزه خلیج زیاد است. دولت‌های عربی خلیج همیشه از نظر اقتصادی و دیپلماتیک با آمریکا در ارتباطی استراتژیک بوده‌اند. اما اینکه ترامپ درست در گرماگرم مذاکرات با جمهوری اسلامی و شاخ‌وشانه کشیدن علیه حکومت اسلامی به این سفر دست‌زده مسئله را داغ‌تر می‌کند. خود ترامپ می‌گوید که هدف از این سفر صرفاً اقتصادی بوده و ایلان ماسک و یک تیم اقتصادی هم او را همراهی می‌کنند. این واقعیتی است. اما علی‌رغم اینکه مهم‌ترین مشغله ترامپ همیشه جنبه پولی و اقتصادی و معامله است، فکر نمی‌کنم که این سفر صرفاً با هدف اقتصادی انجام شده است. این سفر علاوه بر جنبه اقتصادی و مالی، می‌خواهد هم اعتراضات گسترده علیه ترامپ در داخل آمریکا بر سر کشاکش‌های تعرفه‌ای را با توجه دادن به معاملات چندمیلیارد دلاری با شیوخ حاکم در کشورهای عربی آرام کند، و هم پیامی به سران جمهوری اسلامی بدهد که اگر با آمریکا کنار بیایید صاحب درآمد و رفاه و وضعیت پر رونق اقتصادی می‌شوید و اگر لج‌بازی کنید و بر سر مسئله اتمی بمانید کل منطقه را علیه شما بسیج می‌کنیم. تبلیغات زیادی که حول این سفر انجام شد و جلوه‌های پرشکوهی که در این تبلیغات به وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه داده شد، درست با وضعیت نزار و درهم‌ریخته و فلج اقتصادی جمهوری اسلامی صد و هشتاد درجه در تضاد است. آنجا بحث بر سر هوش مصنوعی و صنعت گردشگری و حمل‌ونقل هوایی و غلت‌زدن در پول و ثروت است، و اینجا بحث بر سر فلج اقتصادی و قطعی برق و گاز و زمین‌گیر شدن حکومت است. این تصویر و این مقایسه وسیعاً در مدیای اجتماعی بازتاب یافت. تا آنجا که به مردم این کشورها از جمله عربستان مربوط می‌شود البته این تصویر واقعی نیست و تفاوت‌ها خیلی عظیم نیستند. علاوه بر بی‌حقوقی و ستمگری و سلطه قوانین اسلامی و سیاست سرکوب و اعدام و زندان در این کشورها، از نظر اقتصادی هم مردم در کشورهای عربی اوضاع جالبی ندارند. بنا به آمار سازمان عدالت و توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا، در عربستان بیش از ۵ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از کمبود امکانات و زندگی در خانه‌های تاریک و نامناسب رنج می‌برند. گزارشات دیگری هم در زمینه شکاف عظیم طبقاتی در این کشور و دیگر کشورهای حوزه خلیج منتشر شده است. سرکوب و خفقان و زندان و اعدام هم وجود دارد. البته هنوز وضعیت در این کشورها با ایران که بیش از نیمی از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و سرکوب و اعدام و زندان در دنیا رکورد دارد، قابل مقایسه نیست. اما می‌خواهم بگویم که ثروت‌های افسانه‌ای سلاطین نفت و مافیای حاکم در این کشورها را نباید به حساب توده مردم گذاشت.

**انترناسیونال:** کلاً فکر می‌کنید این دیدارها چه تأثیر مستقیمی بر موقعیت متزلزل جمهوری اسلامی و مشخصاً بر پروسه مذاکرات جاری

## انحلال پ ک ک و پیامدهای آن

از صفحه ۴

مردم چیست به‌جز اینکه گفته‌اند من می‌خواهم به زبان مادری خودم بخوانم و بنویسم، لباس خودم را بپوشم، شعر و ادبیات و فرهنگ خودم را داشته باشم، در بودجه‌های عمرانی کشور به اندازه دیگر استان‌ها سهم داشته باشم و حقوق بدیهی و عادلانه‌ای از این قبیل.

از دید ما چپ‌ها، ما کمونیست‌ها، مسئله مردم کردستان دولت خودی و خودمختاری و غیره نیست؛ بلکه تبعیضات فاحشی است که علیه آنها اعمال می‌شود. نوع حکومت و طرح‌هایی مثل جدایی و یا خودمختاری و فدرالیسم و کنفدرالیسم و غیره حول و با هدف رفع ستم و تبعیض ملی است که معنی و موضوعیت پیدا می‌کند.

احزاب را می‌توان تعطیل کرد؛ ولی مبارزه و اعتراض را نمی‌توان. با انحلال پ ک ک مبارزه متوقف نمی‌شود. البته خودشان هم در بیانیه کنگره‌شان این را اعلام کرده‌اند. گفته‌اند ما همچنان امر خود را به پیش می‌بریم؛ ولی مسئله این است که امرشان را تشکیل نهادهای دموکراتیک و مدنی و دموکراسی‌سازی از پایین تعریف می‌کنند. این جواب مردم نیست. این با تجربه و زندگی روزمره مردم خوانایی ندارد. هم مردم کردستان ترکیه و هم مناطق دیگر.

تا زمانی که تبعیض و ستم ملی هست مردم برای حل این مسئله به میدان می‌آیند، متشکل می‌شوند، احزابی شکل می‌گیرند و این پرچم را بلند می‌کنند. باید امیدوار بود که از یک دیدگاه رادیکال‌تر چپ‌تر و انسانی‌تر این مبارزه ادامه پیدا کند. این پرچم را ناسیونالیسم کرد، لاقول در ترکیه، به زمین گذاشته است و زمان آن است که نیروهای چپ و سوسیالیست بیش‌ازپیش مبارزه برای رفع ستم و تبعیض ملی را در دستور کار خود قرار بدهند.

۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۴ مه ۲۰۲۵

دشوار ادامه درگیری‌ها، تداوم حملات هوایی و زمینی، محاصره مناطق ما و ادامه تحریم‌های حزب دموکرات کردستان (پ. د. ک)، به شکلی امن برگزار شد. به دلایل امنیتی، کنگره به طور هم‌زمان در دو منطقه مختلف برگزار شد."

از سوی دیگر هم بیانیه می‌گوید پیشروی‌هایی حاصل شده و شرایط مبارزه دموکراتیک فراهم آمده است؛ سؤال این است که چگونه می‌توان از پیشرفت و شرایط مبارزه دموکراتیک تحت حاکمیت دولتی که حتی اجازه نمی‌دهد یک حزب اپوزیسیون، به‌دور از درگیری و تهدیدات نیروهای سرکوبگر دولت، کنگره انحلال خود را برگزار کند، سخن گفت؟!

به تخفیف مسئله انکار هویت کرد اشاره می‌کنند. باید پرسید آیا همه مسئله همین بود؟ آیا در ایران و سوریه که هویت کردی انکار نمی‌شود مسئله تبعیض و ستم ملی حل شده است؟ می‌خواهم بگویم این انتظاری خیلی مینیمالیستی و به کم قانع‌شدن است که ثمره ۴۰ سال مبارزه را این بدانیم که دولتی که ما را به کوه‌های قندیل رانده است دیگر ما را ترک کوهی خطاب نمی‌کند!

مسئله مردم کردستان ترکیه فقط این نیست که چرا ما را گرد خطاب نمی‌کنید، بلکه اساساً این است که چرا به‌عنوان یک شهروند متساوی‌الحقوق با بقیه مردم کشور حقمان به رسمیت شناخته نمی‌شود؟ بیشترین زندانی‌ها، بیشترین سرکوب‌ها، بیشترین حملات نظامی، کشتارها و جنایات در منطقه کردستان اتفاق افتاده است. گناه این

## جمهوری اسلامی سرنگون باید گردد!

ترامپ، کشورهای عربی، و جمهوری اسلامی

از صفحه ۸

بین‌المللی و به‌ویژه تأثیرات انقلاب زن زندگی آزادی در ایران که در کل منطقه تأثیرات ملموسی گذاشت، بن سلمان دست به یک سری اصلاحات در عربستان زد که چهره‌ای مدرن و دموکرات‌منش از خود نشان دهد. از جمله رانندگی زنان را که همیشه ممنوع بوده، آزاد کرد، قوانین سخت‌گیرانه اسلامی علیه زنان و مردم را تلطیف نمود، خوانندگان بین‌المللی به‌ویژه خوانندگان زن را برای برگزاری کنسرت‌های پرزرق‌وبرق و مختلط به عربستان دعوت کرد، مناسبات با گروه‌های سلفی و امثال آنها را محدود کرد و اقداماتی دیگر در این زمینه‌ها انجام داد که همه این اقدامات همراه با جنجال و سرمایه‌گذاری‌های عظیم در زمینه انرژی خورشیدی و نوآوری‌های اقتصادی و امثال اینها صورت گرفت که برای غرب بسیار قابل‌توجه است.

اینکه آیا تحولی اساسی و جدی در ادامه این اوضاع در حال وقوع است هنوز روشن نیست. چون تبلیغات و جنجال و سرمایه‌گذاری‌های وسیع حول‌وحوش آنها انسان را در جدی بودن آنها به تردید می‌اندازد. به‌هرحال تا همین‌جا تخفیف فشارها بر زنان و مردم در زمینه قوانین اسلامی و دیگر محدودیت‌ها، اقداماتی مثبت است و می‌تواند بر کشورهای دیگر منطقه هم تأثیرات خود را داشته باشد.\*

تلفن نامزدش که در بیرون سفارت منتظرش بود وصل بود و کلاً خاشقچی در سطح بین‌المللی به دلیل همکاری‌اش با نیوزویک و دیگر نشریات مشهور بین‌المللی یک چهره شناخته شده بود. با این جنایت و برخی اقدامات سرکوبگرانه دیگر علیه مخالفین سعودی‌ها، بن سلمان به یک چهره بسیار منفور و جنایت‌کار در سطح جهان تبدیل شد که تا چند سال ملاقات هر مقام حکومتی با او باعث رسوایی می‌شد. هنوز این جنایت از کارنامه او پاک نشده است. او به روال معمول همه دیکتاتورهای دست‌داشتن در این جنایت را انکار می‌کند. اما تردیدی در مورد آن وجود ندارد. جنایات گروه‌های سلفی در عراق و یمن و برخی کشورهای دیگر نیز هم‌زمان با این جنایت دنیا را تکان داد.

نمونه‌ها از جنایات دربار سعودی در دوران ولیعهدی و روی کار آمدن بن سلمان بسیار است. بعد از آن است که فکر می‌کنم زیر فشارهای

## راه حل عبور از فلاکت و بحران، سرنگونی عامل آن است!

حمید دائمی

در دومین ماه از سال جدید و با تندتر شدن سرایشی سقوط حاکمیت، شاهد دور تازه‌ای از بحران‌ها هستیم و روند پیش رو، چیزی جز فقر و فلاکت بیشتر در چشم‌انداز ندارد. نشانه‌های این روند فروپاشی راه، در همه عرصه‌های حیات رژیم جنایت‌کاران می‌توان مشاهده کرد. اما دو شاخص بسیار برجسته آن، که معیار بررسی برای ما کارگران می‌تواند باشد، اولاً شرایط کار و تولید است که روندی قهقراپی و فلج تمام‌عیار اقتصادی را به دنبال خواهد داشت و درثانی شیوه‌ها و برنامه‌های حاکمیت در برخورد با این ابربحران و ناتوانی در جلوگیری از فروپاشی خودساخته و در نتیجه - مثل سال‌های گذشته - تحمیل فشار و انتقال هزینه‌های این بحران به جامعه و مشخصاً طبقه مزدبگیر است که نتیجه آن مشکلات و فقر و فلاکت بیشتر برای توده‌ها است.

طی سال‌های اخیر و با رشد روزافزون تقاضا برای مصرف انرژی، هم به‌مثابه کالای ضروری در پروسه تولید و خدمات و هم به معنای عاملی تعیین‌کننده در اشکال امروزی زندگی و نیاز ضروری برای ادامه حیات و سوخت‌وساز جامعه، نشان می‌دهد که نه‌تنها تلاش و تمایلی به همسان‌سازی عرضه و تقاضای آن صورت نگرفته، که از دل همین بحرانی هم که دامن همه بخش‌های جامعه را گرفته، در صدد سودجویی و سوءاستفاده هستند.

اولاً پس از نزدیک به ۴۰ سال دست‌وپازدن و لاف تولید انرژی هسته‌ای، بر همگان معلوم شد که اساساً رژیم به دنبال تولید سلاح‌های هسته‌ای بود و کمترین میل و رغبتی به حل معضلات تولیدی و نیازهای جامعه نداشته و ندارد. در ثانی طی این سال‌ها و با وجود اهمیت این حامل انرژی و گسترش نیازهای جامعه، کمترین تلاشی برای تأمین و تولید از طرق دیگر انجام نشده و طی این دوران به تاراج ثروت جامعه به بهانه تولید انرژی هسته‌ای - که بر اساس آمارهای غیررسمی نزدیک به هزار میلیارد دلار است - مشغول بوده‌اند.

آنچه امروز باقی‌مانده، خرابه‌ای از صنایع و تجهیزات تولید انرژی است که توان پاسخ‌دهی به نیازهای ضروری و بسیار معمولی جامعه را نداشته و در حال فروکشیدن حاکمیت، در گردابی است که هر روز بزرگ‌تر می‌شود. کسری تولید انرژی که از سال‌ها پیش آغاز شده بود، اکنون به جایی رسیده که طی اظهارات خودشان "میزان ناترازی برق در سال ۱۴۰۳ به ۴/۱۵ هزار مگاوات رسیده است، درحالی که این رقم در سال ۱۴۰۱، ۷/۹ هزار مگاوات بود. این آمار بیانگر رشد ۶۰ درصدی این معضل طی دو سال اخیر است. حال کارشناسان عقیده دارند که این رقم در سال ۱۴۰۴ نیز صعودی خواهد بود." در ادامه گزارش آمده است: "... حداکثر توان تولید برق کشور در ایام اوج مصرف حدود ۶۲ هزار مگاوات است، اما رشد مصرف به حدی بوده که برای پاسخ به آن، باید حداکثر توان تولید به ۷۹ هزار مگاوات افزایش می‌یافت. براین اساس، میزان ناترازی برق در تابستان سال گذشته به حدود ۱۷ هزار مگاوات رسیده است." روزنامه هم‌میهن به نقل از گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس.

این جمله "اما رشد مصرف به حدی بوده؟" نوعی فرافکنی و انداختن مسئولیت این کمبودها و خرابی‌ها به گردن مردم و جامعه، از شیوه‌های معمول این دزدان شایع است که بجای پرداختن به اصل خرابی که ناشی از بی‌توجهی به تأمین و فراهم آوردن زیرساخت‌های صنعتی و کارآمد، تنها به دزدی و چپاول اشتغال داشته و حتی عواید حاصل از فروش حامل‌های انرژی را صرف تجهیز و توسعه این صنعت مهم نکرده و کماکان درصدد هزینه کردن از جیب و جان مردم هستند.

بدیهی است که فقدان یکی از اجزای مهم تولید و ضروریات زندگی امروزی، کار را به جایی می‌رساند که بخش‌های مهمی از حیات جامعه به خطر افتد. چیزی که امروزه شاهد آن هستیم، غیر از زمین‌گیر شدن تولید صنعتی و خدماتی، بحران در تولید مایحتاج ضروری مردم است که از ناحیه تولید مواد غذایی تأمین می‌شود و محصولات دامپروری و کشاورزی نظیر گوشت، مرغ، ماهی، لبنیات، سبزیجات و مهم‌تر از همه نان است که هم تولیدکنندگان و هم عامه مردم به‌عنوان مصرف‌کننده را تحت فشار و محرومیت قرار داده است.

تأثیر این بحران در زندگی و معیشت توده‌های مزدبگیر، به‌مراتب بزرگ‌تر و سخت‌تر از شرایطی است که برای تولیدکنندگان این محصولات ضروری اتفاق افتاده است. مشکلاتی که تولیدکنندگان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، در بسیاری از موارد با بالا بردن قیمت محصولات خود قابل جبران خواهد بود. اما برای مصرف‌کننده مزدبگیری که از ابتدای سال قیمت مزدش را تصویب و تعیین کرده‌اند، چاره کار جای دیگری است. چراکه به ما مزدبگیران حق افزایش نرخ و قیمت نیروی کارمان را نمی‌دهند و امتیاز آن را - به زور سرنیزه و سرکوب و کشتار - به تصرف خویش درآورده‌اند.

به یکی از تمهیدات رژیم دزدان دقت کنید: "روز شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، معاون استاندار تهران، حشمت‌الله عسگری، با اشاره به رشد سطح عمومی قیمت‌ها، از تصمیم‌گیری قریب‌الوقوع درباره قیمت نان خبر داد و گفت: "با هدف جبران بخشی از هزینه‌ها، نرخ جدید اعلام خواهد شد." به نقل از سایت ایندیندنت.

اینکه نانوایان نظیر سایر مراکز تولید مایحتاج مردم، از ناحیه بحران برق و کلاً انرژی دچار مشکلات هستند و آرد را - که به ادعای بسیاری از کارشناسان، بی‌کیفیت و در بسیاری از موارد مضر. به حال مصرف‌کننده است - باقیمت‌های بالا خریداری کرده و برای ادامه کاری مجبور به کم‌فروشی و بی‌کیفیت فروشی، برای تأمین هزینه‌های خود هستند؛ موضوع غیر قابل کتمان است. اما وقتی نوبت به چاره کار از سوی مسئولین می‌رسد، تنها یک راهکار در دستور است و آن دست‌بردن در جیب مردم و غارت هرچه بیشتر دستمزدی است که چندبرابر زیر خط فقر بوده و کفاف حتی یک هفته از زندگی معمولی یک فرد را نمی‌دهد؛ چه رسد به مایحتاج یک خانواده چندنفره. این آن چیزی است که طی ۴۶ سال حاکمیت دزدسالار سرمایه اسلامی تجربه کرده و خواهیم کرد. این موضوع اولین بار نیست که اتفاق افتاده و در مورد نان، طی دو سال اخیر بیش از ۳ بار رسماً گران شده، اما حقوق ما تنها کفاف یک‌چهارم زندگی در زیر خط فقر را می‌دهد.

در مورد نحوه توزیع برق هم این اتفاق می‌افتد که سهمیه خاموشی و قطع برق برای مناطق حاشیه و کارگرنشین همیشگی و چند بار در روز و ساعات طولانی و بدون هماهنگی اتفاق می‌افتد. هم‌زمان قیمت برق هم - بدون اعلام قبلی - افزایش یافته و هزینه‌های نامربوطی نظیر بیمه و هزینه مصرف بالا را ردیالانه و بدون اطلاع مصرف‌کننده از طریق فیش‌های برق از مردم دریافت می‌کنند. این موارد بسیار زیاد است و مشخصاً آنجا که مسئول و متولی خود دولت است، بدون اجازه و اطلاع مردم و در کمال وقاحت از جیب زحمت‌کشان می‌دزدند.

حاکمیت چاره کار را در ایجاد فاصله بین تولیدکنندگان کالاها و خدمات و مصرف‌کنندگان می‌جوید و برای گسترده و طولانی نشدن صف معترضان، رانت‌هایی را به عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات می‌پردازد تا به خیال خود، بار خشم

## «دیپلماسی دیل»، پیرامون نتایج سفر ترامپ به کشورهای عربی



محمد شکوهی

امارات ایجاد یک بلوک قدرتمند در برابر جمهوری اسلامی و محور مقاومت شکست خورده‌اش یکی از اهداف سفر ترامپ است. جمهوری اسلامی در منطقه قرار نیست دیگر حرف اول را در برابر عربستان و متحدان آمریکا بزند. تنگ کردن حلقه محاصره جمهوری اسلامی و تلاش برای حذفش از تأثیرگذاری در تحولات منطقه خاورمیانه جهت گیری اصلی این بلوک به رهبری ترامپ خواهد بود. از این منظر دوره قدرتی منطقه‌ای جمهوری اسلامی به پایان رسیده و ترامپ تلاش دارد در این فرصت و شکست جمهوری اسلامی، سرو سامانی به وضعیت متحدانش در منطقه بدهد تا برای رویارویی‌های آتی احتمالی آماده‌تر بشوند.

### پیمان ابراهیم و مسئله فلسطین و اسرائیل

موضوع فلسطین مهم‌ترین موضوع جنگ و اختلافات رژیم‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و اسرائیل در طول بیش از ۷۰ سال اخیر است که تا به حال به نتیجه دل‌خواه آمریکا و غرب نرسیده است. ترامپ در این سفر تلاش کرد کشورهای مهم منطقه را حول محور پیمان ابراهیم مصوب سال ۲۰۲۰، به رسمیت شناختن اسرائیل، برقراری روابط سیاسی با اسرائیل در ازای حمایت‌های نظامی و سیاسی ترامپ ترغیب کند تا بدین طریق آخرین تلاش‌ها و تقلاهای جمهوری اسلامی برای دخالت در موضوع فلسطین را مهار و متحدان خودش را به جلو براند. بعد از شکست محور مقاومت جمهوری اسلامی و سرنگونی اسد زمینه برای حرکت در مسیر سیاست‌های مورد نظر ترامپ با موانع کمتری روبه‌رو است. اینکه این تلاش‌های ترامپ به نتیجه خواهد رسید یا نه، بسته به نحوه برخورد کشورهای دوست عرب آمریکا با اسرائیل و سیاست‌های اعلام شده ترامپ است. بازگشت به پیمان ابراهیم در مقابله با سیاست‌های ضداسرائیلی جمهوری اسلامی و حمایت از تروریسم اسلامی و تهدید نابودی اسرائیل، کماکان تنها نقشه راه ترامپ برای حل این بحران است. حذف جمهوری اسلامی و متحدانش در این ماجرا زمینه را برای احیای احتمالی این پیمان و تغییر چهره و آرایش سیاسی منطقه خاورمیانه، این بار به رهبری عربستان و متحدان آمریکا مساعد کرده است.

### سرنگونی اسد و شکست محور مقاومت جمهوری اسلامی و بازگشت سوریه به کمپ آمریکا

با سرنگونی اسد و قدرت‌گیری جریان اسلام‌گرای تحریر شام به رهبری احمد شرع، جمهوری اسلامی رسماً در سوریه شکست خورد و الان میدان برای بازی آمریکا با حاکمان جدید سوریه باز شده است. دیدار ترامپ با شرع و تعریف و تمجید از این تروریست سابق، اعلام لغو تحریم‌های آمریکا علیه سوریه و آزادسازی دارایی‌های توقیف شده سوریه در آمریکا، این امکان و توان مالی و حمایت سیاسی را به دارودسته اسلام‌گرایان می‌دهد که در همراهی با سیاست‌های عربستان و آمریکا در منطقه، وارد کمپ آمریکا بشوند. علاوه بر این ترامپ از شرع خواسته زمینه را برای ایجاد روابط با اسرائیل و پایان دادن به تخاصمات و جنگ‌های دو کشور مهیا نماید.

### تعیین تکلیف با حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی

مسئله حوثی‌های یمن و حمایت جمهوری اسلامی از این جریان هم موضوع دیگر این سفر بود. آمریکا بعد از سرنگونی اسد، به‌ویژه در چند ماه گذشته دور دوم ریاست جمهوری ترامپ حملات ویران‌کننده‌ای به همراه اسرائیل به مواضع حوثی‌ها انجام داده که نتیجه‌اش این شد که حوثی‌ها گفته‌اند به

این هفته دونالد ترامپ به کشورهای عربی از جمله عربستان، امارات متحده عربی و قطر سفر کرد. در جریان این سفر صدها میلیارد دلار قراردادهای نظامی و مالی بین این کشورها و ترامپ امضا شد. دیپلماسی اقتصادی نوع ترامپی، "دیپل" معامله زدوبند در جریان این سفر به نظر می‌رسد که به اهداف از پیش تعیین‌شده‌اش رسیده است. در جریان این سفر طرفین تأکید کردند که دوران جدیدی در روابط کشورهای منطقه با آمریکای ترامپ آغاز می‌شود. تصمیمات و سیاست‌هایی که ترامپ در دیدار از سه کشور منطقه اعلام کرد، بخشی از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکای ترامپ است که آغاز دوره دیگری را نشان می‌دهد. دوره‌ای که ترامپ تلاش دارد تخاصمات، اختلافات و تشتت در صفوف دوستان آمریکا را تا حدودی مهار کرده و در برابر جمهوری اسلامی قدرت‌نمایی کرده و به رهبری جدید پروآمریکایی در خاورمیانه شکل و شمایل دیگری بدهد. شکلی که در آن عربستان و متحدانش قرار است بیش از هر زمانی در راستای پیشبرد سیاست‌های آمریکا و مقابله با بحران هژمونی قدرت منطقه‌ای همسو با آمریکا و احتمالات آتی، به خط شوند.

طی سفر چهارروزه ترامپ به منطقه و دیدارها و گفتگوهایی که با سران سه کشور در منطقه داشت، تصمیمات و سیاست‌هایی اتخاذ شد که ترامپ اعلام کرد تأثیرات نسبتاً مهمی در این منطقه حداقل تا وقتی که ترامپ در رأس قدرت است، خواهد گذاشت. خاورمیانه کانون بحران‌های بزرگ است و در رأس آنها مسئله فلسطین و اسرائیل و تهدیدات جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی است که تا به حال با همه تلاش‌های غرب و آمریکا در رسیدن به نتیجه دل‌خواه آمریکا، شکست خورده است. این سفر قرار است استارت دوره جدیدی در روابط این کشورها با آمریکا را زده و پاسخی به معضلات منطقه از منظر ترامپ ارائه بدهد.

مسائل و موضوعاتی که ترامپ در سفر اخیرش به کشورهای منطقه به آنها پرداخت و ادعا کرد راه‌حلی برای برونرفت از این بحران دارد، را با هم مرور می‌کنیم:

### شکل‌دادن به بلوک کشورهای عربی مقابل جمهوری اسلامی به رهبری عربستان در منطقه

عربستان به‌عنوان متحد آمریکا در دهه‌های اخیر در برابر گسترش نفوذ تروریسم اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی به‌غیراز دخالتش در جنگ یمن کاری نتوانسته بکند. چنددستگی و عدم اجماع عمومی کشورهای عربی در برابر جمهوری اسلامی، زمینه را برای گسترش نفوذ جمهوری اسلامی باز گذاشت و نتیجه‌اش میدان‌دار شدن تروریسم اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی که هویت اصلی آن ضدآمریکایی و ضد غربی است، در منطقه شد. موضوعی که کل موقعیت آمریکا را در برابر جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی از یمن، عراق و لبنان گرفته تا اسرائیل و سوریه تضعیف کرد. بعد از نزدیک به یک دهه الان اوضاع عوض شده است. جمهوری اسلامی در منطقه با کل تروریسم اسلامی‌اش شکست خورده و در ضعیف‌ترین موقعیت قرار دارد و این موضوع اهمیت بازسازی مجدد رابطه آمریکا با متحدانش در منطقه و تلاش برای ایجاد قطب‌بندی در برابر جمهوری اسلامی و جلوگیری از تحرکات بعدی‌اش را مهم‌تر کرده و در دستور طرفین قرار داده است.

تلاش ترامپ برای جمع کردن متحدان آمریکا به سرکردگی عربستان و

## «دیپلماسی دیل»، پیرامون نتایج سفر ترامپ به کشورهای عربی

از صفحه ۱۱

کشتی‌های آمریکایی حمله نخواهند کرد و به‌خاطر تسریع روند مذاکرات هسته‌ای آمریکا با جمهوری اسلامی، فعلاً حملاتشان به کشتی‌های آمریکایی را متوقف می‌کنند. در واقع جریان‌ات تروریستی حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی شکست‌خورده و زمین‌گیر شده‌اند. اعمال فشار به حوثی و جمهوری اسلامی برای دست‌کشیدن از حمایت از حوثی‌ها ادامه دارد.

## تلاش ترامپ برای شکل‌دادن به محور ترکیه، عربستان و اسرائیل در خاورمیانه

یکی دیگر از موضوعات سفر چهارروزه ترامپ به کشورهای عربی موضوع کشاندن و میدان‌دادن به کشورهای ترکیه، عربستان و اسرائیل در ایفای نقش در منطقه خاورمیانه بود. در جریان این سفر ترامپ روی ایجاد محوری با حضور این سه کشور با حمایت آمریکا، و به‌ویژه ایفای نقششان در تحولات جاری در منطقه تأکید کرد و آن را راه‌حل مناسب برای حل بحران‌های منطقه خاورمیانه توصیف کرد. این سه کشور علی‌رغم اختلافاتی که با همدیگر دارند در نحوه برخوردشان با مسئله فلسطین و اسرائیل، بدشان نمی‌آید که در چارت سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا قرار گرفته و از ضداسرائیلی‌گریشان دست برداشته و با تلاش و پادرمیانی آمریکا به حل مشکلات منطقه در این رابطه، کمک کرده و پای پیمان ابراهیم آمده و زمینه را برای احیای این پیمان با نظرداشت ملاحظات و خواست‌های اسرائیل عملی نمایند. نکته‌ای که چندان آسان به نظر نمی‌رسد. ولی با تغییر و تحولات یک سال و نیم گذشته بعد از آغاز جنگ حماس و اسرائیل؛ قدرت‌گیری جریان اسلام‌گرای پرو ترکیه در سوریه و تحولات بعدی، و کلاً اوضاع منطقه امکان میدان‌دار شدن این محور دور از انتظار نیست.

## موضوع بحران هسته‌ای آمریکا با جمهوری اسلامی

موضوع بحران هسته‌ای و مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی یکی از موضوعات مهم سفر ترامپ به منطقه بود. در این رابطه ترامپ ضمن دادن قول و قرارهای همکاری در ساخت راکتورهای اتمی و کمک به پیشرفت حداقل عربستان و امارات در مورد دسترسی به نیروگاه‌های اتمی با تکنیک آمریکایی به این کشورها اطمینان داده که هرگز آمریکا به جمهوری اسلامی اجازه دسترسی به سلاح هسته‌ای نخواهد داد و از این کشورها برای هسته‌ای شدن حمایت خواهد کرد. نگرانی که کشورهای عربی از برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی دارند بدین ترتیب تا حدودی در حال برطرف شدن است. از این منظر اعمال فشارهای حداکثری به جمهوری اسلامی برای پذیرش خواست آمریکا مبنی بر کاهش غنی‌سازی با غلظت بالا و عدم تلاش برای هسته‌ای شدن و عقب‌نشینی از برنامه‌های هسته‌ای‌اش، کماکان ادامه دارد. ترامپ در جریان سفرش به عربستان گفت که با امارات متحده عربی و عمان و قطر در باره بحران هسته‌ای حکومت صحبت کرده و امیدوار است به نتیجه خوبی برسد.

ترامپ در دیدار با امیر قطر گفت: قطر در حال همکاری با آمریکا برای توافق هسته‌ای با ایران است.

وی گفت تحت فشار است که در برابر جمهوری اسلامی موضع سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ کند، اما تأکید کرد که نمی‌خواهد پایان این ماجرا «وحشتناک» باشد و همچنان به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز امیدوار است.

ترامپ در جریان سفرش به منطقه تلاش کرد این کشورها را حول سیاست خود مبنی بر مهار و کنترل بحران هسته‌ای حکومت و کشاندنش به‌پای میز مذاکره و تحمیل خواست‌های خود به جمهوری اسلامی متحد کند. متقابلاً این کشورها هم بر خط مورد نظر ترامپ برای حل و فصل

بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی از طریق مذاکرات تأکید کرده و بعضاً خواستار ایفای نقش در این ماجرا شدند. بدین ترتیب جمهوری اسلامی هم متوجه شد که «کشورهای دوست و برادر مسلمانان» در مقابله با بلندپروازی‌های هسته‌ای‌اش که آن را تهدید جدی برای امنیت خودشان می‌دانند، با ترامپ در یک جبهه قرار گرفته و ضمن ایزوله کردن بیشتر جمهوری اسلامی، به نوبه خود با فشارهای حداکثری آمریکا و اعمال تحریم‌های کشنده علیه جمهوری اسلامی همراه شده و حلقه محاصره جمهوری اسلامی را در منطقه تنگ‌تر می‌کنند. دور پنجم مذاکرات جمهوری اسلامی با آمریکا در مورد بحران هسته‌ای حکومت به‌شدت از نتایج سفر ترامپ متأثر شده و تأثیرات مهمی پیرامون چندوچون تحمیل خواست‌های آمریکا به جمهوری اسلامی ایفا خواهد کرد. عقب‌نشینی جمهوری اسلامی در بحران هسته‌ای و تن‌دادن به خواست‌های ترامپ برای جلوگیری از هرگونه احتمال حمله نظامی اسرائیل و شاید آمریکا به تأسیسات هسته‌ای رژیم، روند اوضاع را به نفع ترامپ و کشورهای منطقه و به ضرر کامل جمهوری اسلامی تقویت کرده و شرایط برای تحمیل خواست‌های ترامپ بر رژیم مساعدتر از هر زمان دیگری شده است. جمهوری اسلامی با توجه به اوضاع و احوالی که بعد از سفر ترامپ به منطقه پیش آمده است، چاره‌ای جز قبول شکست و تن‌دادن به راه‌حل پیشنهادی دولت ترامپ برای حل بحران هسته‌ای‌اش ندارد.

در این هفته آمریکا به جمهوری اسلامی پیشنهاد جدیدی نیز داده است. «فقط ۳ سال غنی‌سازی نکنید تا صلح کنیم!» ترامپ در بازگشت از سفر چهارروزه‌اش به کشورهای حاشیه خلیج به خبرنگاران در هواپیمای گفت که «ایالات متحده پیشنهادی را برای توافق هسته‌ای به ایران داده است. پیشنهاد ما را در اختیار دارند و حالا باید سریع تصمیم بگیرند، وگرنه اتفاق بدی خواهد افتاد! هنوز تاریخ دور پنجم مذاکرات معلوم نیست و فشارهای حداکثری بر جمهوری اسلامی ادامه دارد.

## رؤیای ترامپ برای بازگشت و حضور آمریکا در خاورمیانه

رسانه‌های کشورهای عربی گزارش دادند ترامپ در جریان سفر خود به ابوظبی با اشاره به حضور کم‌رنگ آمریکا در خاورمیانه در سال‌های اخیر، گفت: «آمریکا از خاورمیانه غایب بود، اما اکنون در حال بازگشت و تجدید موقعیت خود هستیم.»

علی‌رغم اینکه آمریکا در طول یک دهه گذشته حضور نظامی و دخالتش در بحران‌های منطقه را کم کرده و با توجه به شکست‌هایی که متحمل شده بود دیگر علاقه چندانی به حضور در خاورمیانه نظیر دهه ۹۰ قرن گذشته ندارد، اما با سرکار آمدن ترامپ و علی‌رغم تأکید وی بر شعار «اول آمریکا» و خارج کردن نیروهایش از بخش‌هایی از خاورمیانه و ادعای این که مسائل منطقه را باید خود کشورهای منطقه حل و فصل نمایند، به نظر می‌رسد که ترامپ سودای بازگشت و تقویت حضور آمریکا در منطقه را در سر دارد.

در یک دهه گذشته سیاست‌های آمریکا، به‌ویژه حمایت همه‌جانبه‌اش از اسرائیل در مقابل کشورهای عربی، بسیاری از کشورهای منطقه را نسبت به سیاست‌های آمریکا بدبین کرده و این نگرانی وجود داشت که اینها به طرف بلوک روسیه و چین متمایل بشوند که در همسویی با جمهوری اسلامی، برای آمریکا مشکلاتی ایجاد نمایند. ترامپ در دوره اول تلاش‌هایی برای بهبود و بازگرداندن دوستان سابق آمریکا به دخالت فعال مورد نظرش در امورات منطقه را در دستور گذاشت که به نتیجه‌ای نرسید. الان در دور دوم و در ادامه همان سیاست‌های دوره قبلی، مسیر کاملاً متفاوتی در برخورد به عربستان و امارات و کشورهای منطقه در پیش گرفته است. سیاستی که تلاش دارد این کشورها را به بلوکی هم‌پیمان آمریکا و نهایتاً اسرائیل در منطقه تبدیل بکند. البته این سیاست ترامپ و نزدیکی بیشتر به عربستان زیاد باب میل اسرائیل نبوده و انتقاداتی به این سیاست‌ها دارد؛ ولی ترامپ هم به اسرائیل اطمینان داده که یکی از نتایج این جهت‌گیری جدیدش اتفاقاً به نفع اسرائیل و

### راهحل عبور از فلاکت و بحران، سرنگونی عامل آن است!

از صفحه ۱۰

و شعله انتقام جامعه را کم کند. اما با یک نگاه سطحی به شرایط اقشار مختلف جامعه می‌توان دریافت که پاسخ‌ها و راهکارهای حاکمیت به معضلات و بحران‌های جامعه موقتی و گذراست و پاسخ‌گوی درازمدت نیست. مهم‌تر اینکه هر کدام از این معضلات، به دنبال خود مشکلات و مسائل جدیدی را حاصل می‌کنند که هیچ تمهیدی از سوی دولت جواب‌گوی آن نیست و تنها به عمیق‌تر کردن شکاف بین طبقات و بخش‌های مختلف جامعه و متلاطم کردن بیشتر جامعه منجر خواهد شد.

معضل کمبود انرژی و گرانی آن، در کنار معضلات دیگر نظیر گرانی سرسام‌آور هزینه معیشت و کالاهای ضروری، نظیر مواد غذایی، دارو، درمان، حمل‌ونقل و دیگر موارد؛ در کنار تعطیلی مراکز تولیدی و خدماتی، بیکارسازی‌های گسترده و تشدید فقر و فلاکت عمومی، تنها یک آدرس را به جامعه می‌دهد که آن هم سرنگونی کل نظام است. این نتیجه، مدت‌هاست که در دستور کار زحمت‌کشان و مزدبگیران قرار گرفته و از این‌رو جامعه مدت‌هاست که به راهحل و شیوه دیگری فکر نمی‌کند.

با مواردی که بر شمرديم؛ شرایط اقتصادی و اجتماعی هر روز سخت‌تر و بغرنج‌تر می‌شود. در نتیجه تغییر این شرایط، مستقیماً به وظایف و عملکرد طبقه کارگر و پیشروان آن بستگی دارد. از آنجاکه می‌دانیم؛ رژیم دزدان اسلامی هیچگاه در طول عمر ننگین خود در صدد اصلاح امور به نفع جامعه نبوده و از هر موقعیتی - حتی در دل بحران‌ها - برای تأمین منافع خود به غارت بیشتر مزدبگیران پرداخته است و مهم‌تر اینکه سال‌هاست حنايش رنگ‌باخته و با هیچ حيله دیگری - با وعدووعید و رؤیافروشی - قادر به مهار و کنترل جامعه خشمگین و سرتاپا مطالبه نیست و مدام در حال ریزش از درون و از دست دادن بازوهای سرکوب خود - چه در منطقه و چه در داخل - است؛ فرصت تاریخی را در اختیار ما قرار داده که تنها با تمرکز و درایت می‌توان به آنچه آرزوی دیرینه زحمت‌کشان در

این سالیان سیاه حاکمیت دزدان اسلامی بود، دست پیدا کرد.

امروز بیش از هر زمانی به نقطه پایان دادن عمر نکبت‌بار رژیم نزدیک شده‌ایم. این همه سال مبارزه و مطالبه جمعی رفاه و آزادی، جامعه را به درجه‌ای رسانده که می‌توان به‌صراحت گفت؛ ۹۹ درصد جامعه تنها سرنگونی نظام را چاره دست‌یافتن به آرزوها و نیازهای خود می‌بینند. جامعه به‌شدت بر سر مطالبات انسانی قطعی شده و منشورهای مطالبات انقلاب زن زندگی آزادی، بیش‌ازپیش به دستور کار جامعه بدل شده است.

هم‌قطاران، مزدبگیران! راه‌هایی از این همه فجایع و فقر و فلاکت، بیش از آنچه که فکر کنیم پیموده شده و به قدم‌های آخر خود نزدیک شده است. تداوم مطالبه‌گری و نتیجه آن در گرو باهم‌بودگی بیشتر و گسترش آن به شکل اعتراضات و اعتصابات خیابانی و مهم‌تر از همه، عمومی و سراسری است. امروز چشم امید جامعه به صف زحمت‌کشان و مزدبگیرانی است که در کف خیابان برای به‌دست‌گیری مطالباتشان مبارزه مستقیم می‌کنند. کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، دانشجویان و زحمت‌کشان حمل‌ونقل و دیگر بخش‌ها و اقشار مزدبگیر، در کنار شوراها و تشکل‌های مستقل خود، برای حصول نتیجه، می‌بایست بیشتر از هر زمانی در کنار هم و هماهنگ، جامعه را به پیوستن به صف اعتراضات و اعتصابات خیابانی فراخوان دهند.

پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی که معنای دیگر آن دست‌یابی به رفاه و آزادی و برابری است، از همین مسیر ممکن است و چاره کار ما تمرکز و انسجام بیشتر برای به‌دست‌گیری مطالبات این انقلاب انسانی، با سرنگونی کامل حاکمیت جنایت‌کاران سرمایه‌داری اسلامی است. جامعه را به اتحاد و تحزب بیشتر فراخوان دهیم و کار امروز را به فردا نسپریم. پیروزی نزدیک و از آن ماست.

**پیش به‌سوی اعتراضات و اعتصابات عمومی و سراسری  
گسترده‌تر باد اتحاد کارگران و مزدبگیران  
زن‌دباد انقلاب زن زندگی آزادی  
کارگر کارگاهی - حمید دائمی**

گسترده از قبل بیا می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم.

**زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!**

و تحمیل خواست‌های ترامپ به جمهوری اسلامی، دست بر داشتن از غنی‌سازی و عدم دسترسی به سلاح هسته‌ای، موجب رضایت کشورهای عربی شده است.

اینکه رؤیای بازگشت آمریکا به خاورمیانه و این‌بار با متحدان منطقه‌اش چقدر عملی است، باتوجه به تأکیدات مکرر ترامپ بر شعار "اول آمریکا"، نشانه‌ای است از احتمال تلاش آمریکای ترامپ برای ورود به عرصه تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی خاورمیانه است. اگر این روند را ترامپ ادامه بدهد، به‌احتمال زیاد نه فقط به‌خاطر منافع اقتصادی آمریکا، بلکه از نظر تجدید هژمونی سیاسی از دست‌رفته آمریکا و تعریف مجدد سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه یک تغییر جدی خواهد بود. در این میان و در پرتو این تحركات سیاسی در منطقه، جمهوری اسلامی بازنده و شکست‌خورده و ضعیف‌تر از هر دوره‌ای ناچار است دست به عقب‌نشینی‌های بزرگی در برابر بلوک متحد کشورهای عربی با آمریکا بزند. روند آتی اوضاع از هر نظر به ضرر جمهوری اسلامی در حال رقم‌خوردن است.

۲۰۲۵ امه ۶

### «دیپلماسی دیل»، پیرامون نتایج سفر ترامپ به کشورهای عربی

از صفحه ۱۲

دورکردن و خنثی کردن این کشورها از دخالت در جنگ در مناطق فلسطینی‌نشین و تضعیف و نابودی نفوذ جمهوری اسلامی است.

هر چند که برخی کشورهای عربی از جمله عربستان و امارات بر ایده تشکیل دو دولت در مورد فلسطین تأکید دارند و حاضرند در این پروسه در کنار آمریکا باشند، ترامپ امیدوار است با بستن قراردادهای اقتصادی کلان و دادن برخی امتیازات به این کشورها، این‌ها را در کمپ آمریکا نگه داشته و جلوی هر گونه نزدیکی‌شان به جمهوری اسلامی و چین و روسیه را گرفته و از این طریق به نقش و تلاش‌های جمهوری اسلامی در منطقه پایان دهد. سفر ترامپ به کشورهای عربی به معنای تنگ‌تر کردن حلقه محاصره جمهوری اسلامی در منطقه و اعمال فشارهای بیشتر و در نهایت شکست جمهوری اسلامی است. در این میان حل بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی

## نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با هرمز رها



**مقدمه:** در این صفحه، انترناسیونال سراغ

فعالین حزب کمونیست کارگری می‌رود و ضمن

آشنایی مختصر با این رفقا با مروری بر زندگی سیاسی آنها به جایگاه و اهمیت مبارزه متشکل و حزبی می‌پردازد. هدف به دست دادن تجربه حداکثری این فعالین در عرصه مبارزه سیاسی و انتقال تجربه سیاسی و مبارزاتی است.

**انترناسیونال:** چند دهه است که مشغول فعالیت سیاسی هستید، اهل کجا هستید؟ از دورترین زمانی که فعالیت سیاسی را شروع کردید خاطره‌ای برای ما تعریف کنید.

**هرمز رها:** می‌توانم بگویم پنج دهه است که فعالیت سیاسی می‌کنم و اهل کرمانشاه هستم، یک خاطره تلخ که همچنان در ذهن من مانده این بود که وقتی بعد از دیپلم دوران سربازی را شروع کردم یک روز در همان اوایل دوره آموزشی، که فکر می‌کنم زمستان سال ۱۳۵۰ بود ما را برای آموزش تیراندازی به میدان تیر چیتگر در تهران بردند، من به همراه چند نفر از دوستان هم‌دوره‌ای در همان دویست متری پشت میدان تیر پشت یک خارگز، یک صحنه میدان اعدام را دیدیم که شامل ده چوب در زمین کاشته شده و خون‌های خشک شده همراه با تکه‌های لباس و لنگه‌های کفش و موهای آغشته به خون چسبیده به چوبه تیر بود. این صحنه گویای این بود که طی یکی دو روز گذشته ده نفر را در این محل اعدام کرده بودند. یکی از دوستان هم‌دوره سربازی ما که در آسایشگاه پادگان بیشتر مشغول کتاب خواندن بود برای ما سه چهار نفر دیگر گفت که چند روز پیش ده نفر از مبارزان سیاسی که بیشتر آنها از اعضای چریک‌های فدایی بودند در این محل اعدام شدند درحالی که به احترام اعدام‌شدگان یک دقیقه سکوت کردیم با چشمان گریان به محل اصلی میدان تیر برگشتیم و مورد بازخواست فرمانده قرار گرفتیم که کجا رفته بودید و شب همان روز به رکن دو احضار شدیم و پرس‌وجو کردند و تذکر دادند که در این مورد با کسی صحبت نکنید و مراقب رفتار خودتان باشید.

**انترناسیونال:** مشاهدات اجتماعی‌تان را که باعث شد فعالیت سیاسی را انتخاب کنید برای ما تعریف کنید، چه انگیزه‌ای داشتید و به چه اهدافی می‌خواستید دست پیدا کنید؟

**هرمز رها:** از سال ۱۳۵۰ شروع می‌کنم که جوانی بودم در یک خانواده چندنفره همراه با خواهران و برادر کوچک‌ترم و مادرم، تحت سرپرستی برادر بزرگ‌تر از خودم که زحمت و مسئولیت تأمین معاش این خانواده شش نفره را برعهده داشت. من نیز برای تأمین مخارج تحصیل خودم تمام تابستان‌های دوران تحصیل دبیرستان را کار می‌کردم، مراحل دبیرستان در تهران گذشت با تمامی مشکلات و کمبودهای زندگی در یک خانه کوچک پنجاهمتری و دیدن تمامی تبعیضات اجتماعی و دیدن جشن‌های پرزرق‌وبرق ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی. این مشاهدات در من تأثیر عمیقی داشت و به این دلیل مخالف حکومت شاه شدم. اما مشخصاً اواخر دوره سربازی در سال ۱۳۵۲ (با دیدن صحنه دادگاه خسرو گل‌سرخ در تلویزیون و صدور حکم اعدام برای این شاعر چپ، خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. بعد از سربازی یک سال در کارخانه تولید دارو کار کردم و بعد از قبول شدن در کنکور وارد دانشگاه در رشته اقتصاد شدم.

**انترناسیونال:** در گذشته دور نقش مذهب و اسلام در زندگی خصوصی شما برجسته بود؟ اگر آری چه دلیلی داشت و اگر جواب منفی است چه رویدادهایی باعث شد به مذهب بی‌علاقه باشید؟

**هرمز رها:** من در یک خانواده غیرمذهبی بزرگ شدم، پدرم در دهه سی عضو حزب توده بوده و همیشه در منزل ما بحث و گفتگوهای سیاسی

جریان داشت. یک زمانی که من هنوز کودک بودم پدرم همراه با تعدادی از دوستانش متواری بودند و در تهران زندگی مخفی می‌کردند. خانواده ما هیچ‌وقت مذهبی نبودند.

**انترناسیونال:** اگر فعال سیاسی حرفه‌ای نبودید فکر می‌کنید دوست داشتید چه کاره شوید و حالا اگر دقیقاً همان هدف کاری یا شغلی را به دست نیاورده‌اید، پشیمان نیستید که راه مبارزه سیاسی را در زندگی انتخاب کردید؟

**هرمز رها:** من قبل از انقلاب دبیر دبیرستان بودم و قبل از آن دوست داشتم پزشک شوم. در کنکور ارتش شرکت کردم؛ ولی به دلیل داشتن عینک و ضعیف بودن چشم قبول نشدم. شاید اگر پزشک می‌شدم سرنوشتم طور دیگری رقم می‌خورد. اما از این راهی که آمدم و شانس آوردم که زنده ماندم پشیمان نیستم.

**انترناسیونال:** بخشی از سرگذشت همه کسانی که اینجا با آنها مصاحبه شده است، فرار از دست جمهوری اسلامی است، شما هم اگر برای حفظ جانتان از ایران فرار کرده‌اید این داستان فرار را برای ما تعریف کنید. از ابتدا تا آخرین مقصدهاتان را دوست داریم بدانیم.

**هرمز رها:** دوران سربازی و دانشجویی از طریق یکی از بستگان هم سن و سال خود که رابطه خیلی نزدیک و صمیمی داشتیم با کتاب و ادبیات چپ آشنا شدم و زمان دانشجویی هر هفته جمعه‌ها گروه کوهنوردی داشتیم و در فعالیت‌هایی از قبیل برگزاری تئاتر و کتابخانه و اعتراضات در دانشگاه شرکت می‌کردیم. در محیط دانشگاه دوستانی پیدا کردیم که با خط‌مشی چریکی مرزبندی داشتند و از طرفی شوروی و حزب توده را قبول نداشتند و به خط "سیاسی - تشکیلاتی" معروف بودند. در سال ۵۴ در ارتباط با رفیقی در یک جمع چهارنفره به گروه "مبارزه برای آزادی طبقه کارگر"، وصل شدیم، در محیط دانشگاه با اعضای گروه، اطلاعیه پخش می‌کردیم و جلسات مطالعه و بحث و گفتگو می‌گذاشتیم. در آن زمان تصمیم بر این بود که افراد گروه باید بعد از گذراندن یک دوره آموزشی در مراکز فنی حرفه‌ای و کسب مدرک فنی در یک رشته به عنوان کارگر فنی در محیط‌های کارگری و کارخانه‌ها مشغول به کار شوند. من که کارت پایان خدمت داشتم احتیاج به ترک تحصیل نداشتم و هم‌زمان در دانشگاه یک دوره شش ماهه برق را شروع کردم. یکی از کارهای مهمی که در دانشگاه انجام می‌دادیم تبلیغ علیه سرکوب انقلابیون ظفار توسط ارتش شاه بود و در ضمن سعی در جذب نیرو به گروه خودمان داشتیم. در اواخر سال ۵۴ از طرف ساواک چندین نفر از اعضای گروه "مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" دستگیر شدند، از جمله دو تن از رفقای هم‌دانشکده‌ای ما و این ضربه باعث قطع ارتباط تشکیلاتی ما شد که تا چند ماه بعد از انقلاب جمع ما بدون ارتباط، کارهایی را که در نظر داشتیم انجام می‌داد. من دو سال قبل از انقلاب، بعد از دوره آموزش فنی، در کارخانه ساخت شوفاز استخدام شدم که هم در محیط کارگری بودم و هم در آمدی داشتم برای کمک‌خرج خانواده و تحصیل خودم. در کنار کار، هم همچنان ادامه تحصیل داده و در فعالیت‌های دانشجویی هم شرکت می‌کردم.

شش ماه قبل از انقلاب، درس در دانشگاه را به اتمام رسانده و در آموزش و پرورش به عنوان دبیر در منطقه جنوب تهران شروع به کار کردم که این دوره شش ماهه مصادف شد با اعتراضات و اعتصابات دانش‌آموزان و معلمان و دانشجویان و کارگران که هم‌زمان در تمامی این عرصه‌ها فعال بودم و در جلسات کانون مستقل معلمان و در تحصن و تجمعات و تظاهرات‌های کارگران و سخنرانی‌هایی که در دانشگاه‌ها برگزار می‌شد شرکت می‌کردم. در

## نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری

از صفحه ۱۴

اعدام‌ها، لغو اعدام و همچنین پشتیبانی از مبارزات مردم ایران و دفاع از انقلاب زن زندگی آزادی که در استکھلم به وجود آمد، یک ضرورت بود. ما وظیفه خود می‌دانستیم که در جهت اتحاد صفوف مردم مبارز در شهر استکھلم و بکار گرفتن توان مبارزاتی مان هر چه بیشتر، دست در دست یکدیگر تلاش کنیم. با آزادی توماج ما اسم این کمپین را به نهاد "اتحاد برای زن زندگی آزادی / استکھلم" تغییر داده و من همچنان عضو هیئت هماهنگی این نهاد هستم.

یک بخش از فعالیت مهم و تأثیرگذار من در جنبش پناهندگی بود و هست. من از بیست سال پیش در این عرصه فعالیت می‌کنم. طی بیست سال گذشته وضعیت پناهنده‌پذیری در سوئد بسیار سخت‌تر شده است. طی ده سال گذشته که پناهندگان اخراجی را دستگیر می‌کردند و بعد از نگهداری در بازداشتگاه اداره مهاجرت دیپورت انجام می‌شد، از طریق "فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی" فراخوان داده می‌شد و ما فعالین عرصه پناهندگی در مقابل بازداشتگاه و یا فرودگاه تجمع و اعتراض می‌کردیم و همزمان با نامه‌نگاری و انتخاب وکیل باعث می‌شدیم که تعداد زیادی از این پناهندگان آزاد شوند و بعداً اقامت بگیرند. مشخصاً طی ده سال گذشته جمهوری اسلامی پناهندگان دیپورتی را تحویل نمی‌گیرد مگر در موارد خاص و در نتیجه دولت سوئد نیز بازداشت نمی‌کند. منتهی شرایط را آن‌چنان سخت می‌کند و اقامت نمی‌دهد که خود پناهنده مجبور به ترک این کشور شود. در نتیجه مبارزه حادی در جریان است و ما جلسات مختلف مشاوره وکلا با پناهندگان را برگزار می‌کنیم و ماهی یک‌بار در مقابل اداره مهاجرت سوئد در استکھلم آکسیون می‌گذاریم و از مسئولین این اداره می‌خواهیم به جمع تظاهرات کنندگان بایند و به سؤالات آن‌ها جواب دهند. نتیجه فعالیت من و امثال من که در "فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی" متشکل هستیم و مبارزه می‌کنیم قبولی گرفتن برای تعداد زیادی از ایرانیان پناهجو در سوئد است و من از اینکه این چنین در عمل می‌توانم در زندگی بخشی از ایرانیان گریخته از دست حکومت اسلامی نقش داشته باشم به خود می‌بالم. یادآوری کنم که ما نه فقط برای پناهجویان ایران که برای کمک به پناهجویان افغانستانی هم فعالیت‌های وسیعی سازمان می‌دهیم. به طور مثال در رابطه با پناهندگان افغانستانی در سال ۲۰۱۶ که اعتراضات و تحصن‌هایی در مرکز شهر و مقابل بازداشتگاه اداره مهاجرت سازمان یافته بود، من و دوستان دیگرم در کنارشان بودیم.

همچنین اضافه کنم که بعد از اینکه کارزار جهانی نه به اعدام نیز شروع به فعالیت کرد، من نیز در پیشبرد فعالیت‌های این کارزار نقش ایفا کردم. در جلسات کارزار جهانی نه به اعدام که هر هفته در میان در شب‌های یکشنبه به شکل علنی برگزار می‌شود و سخنرانی می‌بایست دعوت شوند و از فعالین سرشناس علیه اعدام و فعالین اجتماعی و سیاسی، از اساتید دانشگاه‌ها تا کارشناسان در حوزه حقوق قضایی و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و افرادی از سیستان و بلوچستان و خوزستان و کردستان دعوت به عمل می‌آید، من هم مهمانانی را دعوت می‌کنم. مهمانانی که به دلیل اعتماد و اطمینان به شخص من و فعالیت‌های سیاسی من دعوت‌م را برای سخنرانی در این کارزار می‌پذیرند. از این بابت خیلی خوشحالم که در مبارزه علیه اعدام می‌توانم نقشی داشته باشم.

انترناسیونال: چه زمانی با حزب کمونیست کارگری آشنا شدید و چرا از میان این همه حزب راست و چپ تنها همین حزب را برای ایجاد تغییرات اجتماعی انتخاب کردید؟

**هرمز رها:** من از ایران با حزب کمونیست کارگری آشنا بودم، چون قبل از دستگیری عضو حزب کمونیست ایران بودم. وقتی حزب کمونیست کارگری ایران در سال ۱۳۷۱ تشکیل شد، به این حزب پیوستم.

**انترناسیونال:** با این همه مبارزه و فعالیت سخت و نفس‌گیر و البته فکر می‌کنم برای شما جذاب و بااهمیت چه حرفی برای جوانان و نوجوانان، کسانی که مثل فرزندان و نوه‌های شما هستند دارید؟

روزهای قبل از قیام در محل تحصن کارگران جنرال به همراه دانشجویان در فعالیت‌های کارگری شرکت می‌کردم تا اینکه در روز ۲۱ بهمن بعد از سخنرانی پرشور یکی از کارگران که همه را به قیام دعوت می‌کرد به همراه جمع زیادی از شرکت‌کنندگان در تحصن با پای پیاده یا با وانت و کامیون به سمت انبار اسلحه و مهمات ارتش در جاده قدیم کرج رهسپار شدیم. در این روز کارگران اسلحه و مهمات زیادی را توانستند از پادگان بیرون بیاورند. در اطراف و در قسمت‌هایی که سیم‌خاردها توسط مردم کنده شده بود، نیروهای مسلح لباس شخصی که خود را سیاه‌جامگان معرفی می‌کردند و از طرف نیروهای مذهبی سازمان داده شده بودند تلاش داشتند که از مسلح شدن مردم جلوگیری کنند و با زور و شلیک تیر هوایی اسلحه و مهمات را از دست کارگران گرفته و روی زمین تلنبار می‌کردند. باین حال در این بگیروبیند و سروصدای تیراندازی تعداد زیادی موفق شدند اسلحه و مهمات خود را از پادگان خارج کنند. بعد از ظهر آن روز تسخیر پادگان جی به وقوع پیوست که تعدادی سرباز و نیروهای کادر ارتش از آن مراقبت می‌کردند. اما با کمک اسلحه‌های به‌دست آمده از دیوی ارتش یورش هزاران نفر از جهات مختلف به پادگان، صحنه شورانگیزی بود که چندین ساعت طول کشید. روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن بسیار شورانگیز بود و مردم قهرمانی‌های بی‌شمار از خود نشان دادند.

در سال ۵۸ از وحدت گروه‌های مختلف موسوم به "خط سه"، "سازمان وحدت انقلابی" به وجود آمد که جمع ما هم به این سازمان پیوست. در سال ۵۹ از آموزش و پرورش اخراج شدم و در زمان جنگ و بگیر و ببندهای سال شصت مدتی مسئول وحدت انقلابی در غرب تهران بودم و اواخر سال ۶۰ دوباره با همان مدرک برق با دیپلم در یک کارخانه کار پیدا کردم. در این کارخانه یک هسته چهارنفره تشکیل دادیم و تشکیل مجمع عمومی را در دستور داشتیم. در شهریور ۶۲ حزب کمونیست ایران تشکیل شد و جمع ما یکی از هسته‌های این حزب در کارخانه بود که با ضربه همان سال بیش از سی نفر در کارخانه و محلات مختلف اطراف جاده کرج دستگیر شدند. هسته ما نیز از این ضربه بی‌بهره نماند و من تا اوائل ۶۶ در زندان ماندم. بعد از زندان به مدت ده سال در یک کارخانه کار کردم و به علت خطر دستگیری مجدد از ایران خارج شده و هم اکنون حدود بیست و سه سال است که در سوئد زندگی می‌کنم.

**انترناسیونال:** در کشور جدید چطور خود را با زندگی تازه وفق دادید و آیا فوراً فعالیت سیاسی را از سر گرفتید؟ می‌توانید انواع نهادهایی که در آن فعال بودید را نام ببرید؟ آیا فعالیت‌هایتان تأثیری هم در زندگی دیگران داشت؟

**هرمز رها:** من هم اکنون بازنشسته هستم. همان روزهای اولی که به سوئد آمدم از طریق رهبری حزب کمونیست کارگری به تشکیلات استکھلم وصل شدم. در طول مدت زندگی در خارج در صدها اعتراض و تظاهرات علیه جمهوری اسلامی شرکت کردم و ده‌ها آکسیون و تجمع و کنفرانس علیه اعدام‌ها و بی‌حقوقی‌های مردم در ایران سازمان دادم و در ملاقات‌های متعدد با وزارت امور خارجه سوئد سعی کردم صدای محکومین به اعدام و زندانیان سیاسی باشم. چندین سال است که مسئول کمیته بین‌المللی علیه اعدام هستم و در گذشته چندین سال مسئول کمیته حزب کمونیست کارگری در شهر استکھلم بودم. همچنین از ژانویه ۲۰۲۴ در دوران جنبش زن زندگی آزادی یکی از اعضای هیئت هماهنگی کارزار جهانی نه به اعدام هستم. با دستگیری توماج صالحی کمپین برای آزادی توماج صالحی و دیگر زندانیان سیاسی را در جولای ۲۰۲۴ در استکھلم با جمعی از فعالین شهر استکھلم با نظرات، دیدگاه‌ها و سلیقه‌های مختلف سیاسی، حول آزادی توماج صالحی به وجود آوردیم. برای آزادی این انسان شجاع تلاش‌های زیادی از طریق این کمپین انجام شد. ایجاد این کمپین به منظور غلبه بر پراکندگی‌ها و ایجاد هماهنگی و ارتقای فعالیت‌هایی در زمینه آزادی زندانیان سیاسی، توقف

## نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری از صفحه ۱۵

**هرمز رها:** جوانان و نوجوانان باید برای زندگی بهتر خودشان و همنوعانشان و برای نوه‌ها و آیندگانشان و برای یک زندگی شایسته انسان مبارزه کنند تا همه مردم زندگی خوبی داشته باشند. من در واقع وقتی برای زندگی شخصی خودم در نظر نمی‌گرفتم. اما تلاش برای یک جامعه آزاد و انسانی برایم بسیار باارزش، امیدبخش و ثمربخش و مهم بوده و هست. از نظر من خوشبختی فقط با موفقیت فردی به دست نمی‌آید. انسان با خوشبختی اجتماعی و همگانی احساس پیروزی و شادی و موفقیت می‌کند. چه کسی می‌تواند فقر عمومی و فلاکت اجتماعی و سیاه‌روزی همگانی را ببیند و احساس خوشبختی کند؟ انسان موجودی اجتماعی است و انسان شریف، با آزادی و برابری همگانی احساس شادی و موفقیت می‌کند. با این‌همه بعد از هفتاد سال فکر می‌کنم که قدری هم زندگی شخصی. بیشتری داشتم بهتر بود. هنوز البته وقت زیاد است و با این‌وجود اصلاً به فکر بازنشستگی از فعالیت سیاسی نیستم. فرزندان و نوه‌هایم، به معنای عمومی و اجتماعی، در سراسر ایران هنوز به فعالیت این بابابزرگ نیاز دارند.

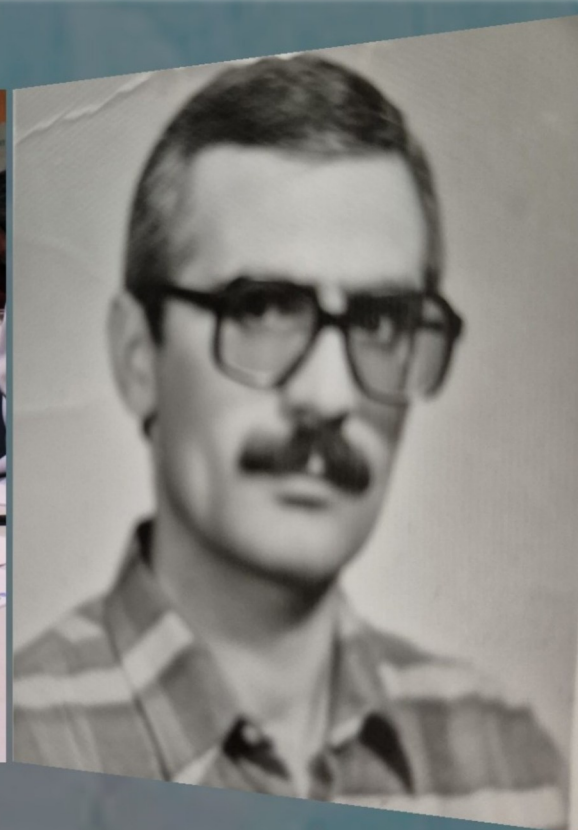
**انترناسیونال:** آیا نسل جدید حزب با در نظر گرفتن تغییرات فکری و فرهنگی و سیاسی عمیق، قدر کارهای شما را می‌داند یا راه دیگری در پیش گرفته‌اند؟ رابطه‌ها دوطرفه است؟ نسل جوان از قدیمی‌ها می‌آموزند و قدیمی‌ها از جوان‌ترها؟ چطور است این روابط در حزب؟

**هرمز رها:** من سعی می‌کنم که تجارب خودم را در اختیار جوانان بگذارم و از آنها کمک‌های زیاد در رابطه با تکنیک‌های جدید و مدرن زندگی کردن می‌آموزم. نسل جدید خیلی باز و بدون تعصبات مذهبی و ایدئولوژی‌های مختلف فکر می‌کند و اقدام می‌نمایند. ما در دوران جوانی خشک و با غالب بودن روش‌ها و بینش‌های شبه‌مذهبی و کلیشه‌ای، فکر و عمل می‌کردیم. با اینکه چپ بودیم منش‌های مذهبی بر ما قالب بود. به طور مثال در زمان دانشجویی تقریباً همان‌طور به دختران دانشجوی مدرن و بی‌حجاب برخورد می‌کردیم که گروه‌های مذهبی با دانشجویان مدرن و زنان دانشجو برخورد می‌کردند. دنیای

فعلی تغییرات شگرفی کرده است و حزب ما از این منظر بسیار پیشرفته و مدرن و امروزی است. یک فرهنگ بسیار پویا دارد و با پدیده‌ها برخوردی مدرن و علمی دارد. زنان در حزب کمونیست کارگری هم‌دوش و هم‌رزم و برابر با مردان هستند. در حزب ما با کمترین و کوچک‌ترین نشانه‌هایی از نابرابری و تبعیض علیه زنان با جدیت تمام مبارزه می‌شود و در این رابطه کمترین اغمازی صورت نمی‌گیرد. در این حزب برخورد نسلی و سنی به اعضا نمی‌شود و به این دلیل جوانان نقش سیاسی پررنگی در حیات حزب دارند.

**انترناسیونال:** شما عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری هستید، اولین بار که در چنین موقعیت سیاسی و تشکیلاتی قرار گرفتید چه احساسی داشتید و آیا به همه هدف‌تان رسیدید؟ وقتی شروع به فعالیت کردید هدف تغییرات بنیادین به نفع همه مردم بود، آیا برای همان اهداف اولیه هنوز مصمم و پابرجا هستید؟ آیا قصد بازنشستگی ندارید تا بیشتر با نوه‌ها و همه خانواده‌تان وقت بگذرانید؟

**هرمز رها:** راستش من همیشه فکر می‌کردم با توجه به این همه فعالیت که کردم جای من باید در کمیته مرکزی باشد. از این بابت عمیقاً خوشحالم و از هم‌زمانم که در کنگره حزبی به من رأی می‌دهند که چنین جایگاه سیاسی مهمی داشته باشم ممنون و متشکرم. اما این هدف زندگی من نیست. هدف رهایی انسان از چنگال بی‌رحم نابرابری و فقر و فلاکت و دیکتاتوری است؛ هدف کنار زدن استثمار از زندگی مردم است که این منشأ اصلی همه مصائبی است که زندگی بشر را به بند کشیده است. هدف شخصی من این است و به این دلیل حزب کمونیست کارگری را برای ایجاد این تغییرات انتخاب کردم و باور دارم با تلاش جمعی می‌توانیم به اهداف والای انسانی خودمان دست یابیم. در رابطه با بازنشستگی سیاسی همان‌طور که در سؤال بالا هم اشاره کردم باید بگویم به دلیل مشکلات جسمانی گاهی فکر می‌کنم که از فعالیت خودم کم کنم و به قول شما با نوه‌ها و خانواده باشم؛ ولی اتفاقاتی که می‌افتد؛ مثلاً سال ۹۸ و یا انقلاب زن زندگی آزادی و کشتارها در ایران، شدت اعدام‌ها در این دوران طاقت نمی‌آورم و سعی می‌کنم در حد توانم بتوانم کاری انجام بدهم. وقتی جمهوری اسلامی سرنگون بشود و شاهد ساختن جامعه آزاد باشیم آنوقت بازنشستگی من شروع می‌شود. دنیای قشنگی خواهد بود. \*



## سایر اطلاعاتی هفته اخیر

## تجمع کادر پزشکی گیلان، کارکنان برق و آب سراسر کشور مقابل وزارت نیرو و اخباری دیگر

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۰ مه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## تجمع اعتراضی کارکنان شهرک صنعتی خیرآباد اراک

قطعی برق شهرک‌های صنعتی را به رکود کشانده است. بنا بر گزارش دریافتی امروز بیستم اردیبهشت کارکنان شهرک‌های صنعتی در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق و مختل شدن کار و شغل خود مقابل درب ورودی شهرک صنعتی خیرآباد اراک تجمع کردند. نیروهای امنیتی هم حضور پیدا کردند تا مانع حرکت کارگران شوند؛ اما جرئت برخورد نیافتند. در این حرکت اعتراضی یکی از صنعتگران با خشم فریاد زد و گفت: "به خدا دیگه ندارم بیشتر از پنج میلیارد تومان برای پرداخت خسارت قطع برق را ندارم و کوره‌های ریخته‌گری همه فاسد شده‌اند. این شهرک در بیست کیلومتری اراک به طرف جاده قم واقع شده است.

بنا بر خبر برق کلبه شهرک‌های صنعتی اراک در دو روز شنبه و یکشنبه قطع است و در باقی روزهای هفته نیز هر روز ساعت پنج عصر تا آخر شب برق قطع خواهد بود. قطعی‌های برق موج دیگری از بیکارسازی را در پی دارد و فضای اعتراض در شهرک‌های صنعتی بالا گرفته است. قطعی برق به معضل کل جامعه تبدیل شده و مردم را به خشم آورده است. با اتحاد مبارزاتی سراسری تعرضات معیشتی حکومت را می‌توان عقب زد.

ما مردم باید بساط این حکومت و کل سیستم مافیای سرمایه‌داری حاکم را که پراز نکبت و فلاکت برای همه است هرچه زودتر با انقلاب خویش جمع کنیم. جمهوری اسلامی کشور را به فلج کامل کشانده و زندگی مردم را دارد نابود می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۰ مه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد

"همبستگی، اتحاد، چاره ظلم و بیداد"

امروز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد مثل هفته‌های گذشته در اعتراض به فقر و گرانی و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان در چند شهر از جمله در اهواز، شوش، کرمانشاه، تهران، و اصفهان تجمع کردند.

در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی علی‌رغم گرمای طاقت‌فرسا به خیابان آمده و با فریاد "درد ما درد شماست، مردم به ملحق شوید" مردم را به اتحاد حول فقر عمومی و فساد حاکم فراخواندند. در این تجمع بنرهایی با مضمون "درمان رایگان"، و "همبسته باد اتحاد کارگران و معلمان" توجه‌ها را جلب می‌کرد.

بازنشستگان همچنین شعار می‌دادند "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "معیشت و درمان نابودتر از هر زمان"، "ایران پردرآمد، مسئول بی‌لیاقت، چه بر سر تو آورد"، و "ازیس که غارت کردند، ما را بیچاره کردند".

در کرمانشاه جمع قابل‌توجهی از بازنشستگان تجمع کرده بودند و شعار می‌دادند "ما بازنشستگانیم، بر عهد خویش می‌مانیم"، "همبستگی، اتحاد، چاره ظلم و بیداد"، "با قطع برق کشور، میریم به عصر حجر"، "گاز و برق و معیشت، دزدیده شد از ملت"، "نه جنگ می‌خواهیم نه کشتار، رفاه می‌خواهیم ماندگار"، "تورم، گرانی، نه به جنگ و ویرانی"، و "معلم زندانی، کارگر زندانی، معترض زندانی آزاد باید گردد".

در شوش بازنشستگان تأمین اجتماعی از شهرهای کرخه، هفت‌تپه و شوش مقابل فرمانداری تجمع داشتند و در همبستگی با مردم بندرعباس و در اعتراض به قربانی کردن کارگران و نبود ایمنی در کارگاه‌ها شعار می‌دادند "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر". بازنشستگان در شوش همچنین بر آزادی بازنشستگان زندانی تأکید کردند. در تهران بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع داشتند و با

امروز بیستم اردیبهشت ماه کادر درمانی فوریت‌های پزشکی (اورژانس ۱۱۰) در اعتراض به عدم تحقق وعده‌های داده شده، حقوق‌های پایین و شرایط معیشتی سخت، در مقابل دانشگاه علوم پزشکی گیلان تجمع کردند. معترضین با فریاد "فوریت داد بزن، حق تو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند.

در این روز همچنین جمعی از کارکنان برق و آب منطقه‌ای سراسر کشور در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود در مقابل ساختمان وزارت نیرو در تهران تجمع کردند. نوع استخدام آنها یک موضوع اعتراضشان است. به گفته این کارکنان آنها را تحت عنوان کارگر استخدام کرده‌اند؛ اما دستمزدها نسبت به همکاران کارگر کمتر است و از دریافت بسیاری از تعلقات مزدی محروم‌اند. این کارکنان به این کلاهبرداری آشکار و سطح نازل حقوق‌هایشان اعتراض دارند و خواستار افزایش فوری دستمزدهایشان هستند. آنها خواستار بازگشت به نظام هماهنگی پرداخت ۲۰ رتبه‌ای صنعت آب و برق هستند.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی آبداران شرکت آب‌وفاضلاب خوزستان در مقابل استانداری انجام گرفت. این تجمع در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و تعویق پرداخت آن برگزار شد و اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از پرداخت سه ماه حقوق معوقه، اجرای کامل و بی‌کموکاست طرح طبقه‌بندی مشاغل، و رفع تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا.

جمهوری اسلامی حکومت فاجعه‌آفرین و مرگ‌آفرین است. از تأمین اولیه‌ترین نیازهای مردم ناتوان شده و اختلالات جدی‌ای در زندگی و معیشت و کار و مردم ایجاد شده است. برق و آب جیره‌بندی شده و بنا به گزارشات بیش از هشتصد قلم دارو با کمبود جدی روبرو شده است. در این رابطه سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اسلامی می‌گوید که چند ماه گذشته در خصوص بحران کمبود دارو در کشور هشدار جدی داده شده و اکنون نیز هشدار می‌دهد که با مرگومیر بسیار زیادی به دلیل کمبود دارو مواجه خواهیم بود.

قطعی مکرر برق نیز اختلالات جدی‌ای در زندگی و معیشت و کار و اشتغال مردم ایجاد کرده است. در این رابطه نانوایان به دلیل قطع برق و ترش شدن خمیرهایشان، زیان‌های اقتصادی بسیاری دیده و در شهرهای مختلف اعتراضاتی داشته‌اند. در همین رابطه امروز بیستم اردیبهشت نانوایان اراک در اعتراض به شرایط معیشتی دشوار، افزایش افسارگسیخته هزینه‌های تولید، و قطع مکرر برق، مقابل ساختمان استانداری مرکزی این شهر تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی نانوایان با سردادن شعارهایی خواستار پاسخگویی فوری مقامات مسئول شدند. به گفته نانوایان وعده‌های مسئولان درباره پرداخت یارانه‌ها، و اصلاح قیمت انرژی تنها در حد حرف باقی‌مانده و هیچ اقدام عملی تاکنون صورت نگرفته است. نانوایان هشدار داده‌اند که اگر به آنها پاسخی داده نشود اعتراض خود را به دیگر شهرهای استان خواهند کشید.

در قلعه گنج استان کرمان نیز نانوایان در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق خمیرهای خراب‌شده خود را به در ورودی اداره برق کوبیدند.

یکی دیگر از حوزه‌های کاری ای که به دلیل قطعی برق دچار آسیب شده پرورش ماهی است. به گزارش فعالان حوزه پرورش ماهی در شهرستان‌های گناباد، سرایان و قائن به دلیل قطعی ناگهانی برق، بدون هیچ هشدار یا پیامکی، تمام ماهی‌های داخل استخرها تلف شدند. در نتیجه کیسه‌های آنها پر از ماهی‌های مرده شد. ماهی‌هایی که برای تغذیه‌شان از غذای مخصوص کیلویی ۱۰۰ هزار تومان استفاده شده بود.

آخرین خبر اینکه روز گذشته نوزدهم اردیبهشت ماه اعضای تعاونی ۱۴۴ واحدی مسکن ملی در شوش در اعتراض به تأخیر در تحویل واحدهای مسکونی و عدم شفافیت در قراردادهای و چپاولگری‌ها دست به تجمع زدند. معترضین با نصب بنری اعتراضی در محل صدای اعتراض خود را بلند کردند. به گفته آنان مسکن ملی وعده‌ای برای بی‌مسکن‌ها بود، اما به کام سودجویان، دلالت و پیمانکاران تمام شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

## تجمعات بازنشستگان مخابرات و یک خبر دیگر

امروز دوشنبه بیست و دوم اردیبهشت ماه بازنشستگان مخابرات همچون هفته‌های گذشته در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای تبریز، ایلام، اراک، کرمانشاه، تهران، شهرکرد، میوان، سنندج، اهواز، و رشت تجمع و اعتراض کردند.

در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند "دیگه نگید نداریم، خسته از این شعاریم"، "ستاد اجرایی حق ماها را خورده"، "بنیاد تعاون سپاه، حق ماها رو خورده"، "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "کشور شده صدپاره، بخورخور تو کاره"، "کشور پر درآمد، چه بر سر تو آمد"، "سهام‌داری و وجدان، دشمن زحمت‌کشان"، "عدالت، عدالت، مُرده در این ولایت"، "سهام‌دار عمده، مخابراتو برده"، و "مدیر بی‌لیاقت! ننگت باد!".

بازنشستگان مخابرات به عدم ایفای تعهدات مالی از سوی سهام‌داران عمده مخابرات، یعنی ستاد اجرایی و بنیاد تعاون سپاه و اختلاس‌گری‌هایشان اعتراض دارند. یک خواست فوری آنان اجرای آیین‌نامه استخدامی و رفاهی سال ۱۳۸۹ است که می‌تواند بهبودی در دریافتی‌های آنها ایجاد کند.

اعتراضات علیه قطعی‌های متوالی برق ادامه دارد. امروز بیست و دوم مهرماه نزدیک به ۲۰۰ نفر از مغازه‌داران بازار تهران در اداره برق جمع شدند و به قطع برق در اوج بازار کارشان اعتراض کردند. قطعی‌های برق زندگی و کار مردم را مختل کرده است.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۲ مه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## ۲۲ اردیبهشت روز جهانی پرستار

### تجمع اعتراضی کارکنان حوزه بهداشت دانشگاه تبریز

امروز ۲۲ اردیبهشت روز جهانی پرستار است. شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران طی بیانیه‌ای در گرامیداشت این روز ضمن اشاره بر تاریخچه این روز بر خواست‌های فوری پرستاران تأکید کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "این روز بر اساس زادروز 'فلورانس نایتینگل' به‌عنوان بنیان‌گذار حرفه پرستاری مدرن در ۱۲ ماه مه به‌عنوان روز پرستار در سراسر جهان انتخاب شده است. مناسبتی که به‌عنوان یک روز جهانی، استانداردها و دستاوردهای بشری را در ارتقا بهداشت و درمان همگانی، یادآور می‌شود و درمان رایگان و استاندارد، و وجود محیط‌های کاری مجهز و ایمن را به‌عنوان یک حق همگانی مطرح می‌سازد." در ادامه این شورا تأکید کرده و می‌نویسد: "پرستاران و کادر درمان به‌عنوان سکان‌داران تولید بهداشت و درمان، نه تنها باید از شأن و منزلت و معیشت و رفاه برخوردار باشند؛ بلکه با داشتن حق تشکل و تجمع و اعتراض باید بتوانند از حقوق مسلم شغلی خود پاسداری کنند." در آخر بیانیه با اشاره به اینکه تعدادی از پرستاران و کادر درمان به دلیل اعتراض به شرایط شغلی و معیشتی بردوار با تبعید و اخراج مواجه شده‌اند، بر بازگشت به کار پرستاران اخراجی و تبعیدی تأکید می‌کند و روز پرستار را فرصتی برای فریاد خواسته‌های پاسخ نگرفته خود دانسته است.

اهم خواست‌های اعلام شده پرستاران عبارت‌اند از: افزایش حقوقها متناسب با نرخ سبد معیشتی شصت میلیونی و صعود نرخ دلار، روشن بودن موازین تعرفه‌گذاری‌های خدمات پرستاری و اجرای درست و غیرسلیقه‌ای و بدون تبعیض آن، قطع اضافه‌کاری‌های اجباری، استخدام پرستار به‌اندازه نیاز و جذب، حذف مسئولیت‌های خارج از شرح وظایف مصوب پرستاران، اجرای بدون قیدوشرط و درست و دقیق قانون بازنشستگی پیش از موعد پرستاران، افزایش حق‌الزحمه اضافه‌کاری پرستاران و محاسبه آن بابت روزهای تعطیلی اعلامی دولتی، تسهیلات لازم برای تهیه مسکن، تبدیل وضعیت پرستاران قراردادی و پیمانی به وضعیت دائمی و داشتن امنیت شغلی، تخصیص مبالغ درخورشان و متناسب با هزینه‌ها جهت پرداخت مزایای معیشتی و رفاهی، توقف اخراج‌ها و بازگشت به کار پرستاران اخراجی از جمله پرستاران اخراجی دوره کرونا، بالابردن استاندارد بهداشتی و تجهیزاتی بیمارستان‌ها و مراکز درمان در حد قابل‌قبول، پرداخت هزینه‌های لباس و مجهز بودن بیمارستان به وسایل کامل بهداشتی از جمله دستکش و ماسک و غیره، و درمان رایگان برای همه مردم.

پرستاران برای پیگیری خواست‌هایشان به طور متوالی اعتراضاتی دارند. امروز بیست و دوم اردیبهشت جمعی از کارکنان حوزه بهداشت دانشگاه تبریز در اعتراض به تبعیض در کاهش ساعت کاری و اجرای تعطیلی دو روز در هفته،

شعارهای "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، و "تا حق خود نگیریم یکشنبه‌ها می‌آییم"، بر عزم و پیگیری خواست‌هایشان تأکید کردند. در این تجمع بتری با نوشته "از معدن تا بندر محل قتل کارگر" قابل‌توجه بود. این بازنشستگان همچنین با شعار اعتراضی خود خواستار آزادی اسماعیل گرامی بازنشسته زندانی شدند.

در اصفهان بازنشستگان صنعت فولاد و معدن، در خیابان نشاط اصفهان دست به تجمع و راهپیمایی زدند و با شعار "حسین‌حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون" صدای اعتراضشان را به بساط چپاول و غارت حاکم بلند کردند. این بازنشستگان همچنین شعار می‌دادند: "ما به‌جز حق نمی‌خوایم، صدقه دولت نمی‌خوایم"، "صندوق پر درآمد چه بر سر تو آمد؟"، و "معیشت و درمان نابودتر از هر زمان".

بازنشستگان همه‌جا از دزدی از صندوق‌های بازنشستگی، دستگیری و زندانی کردن معترضین و حقوق‌های ناچیز و درمان پولی و کالایی خشمگین‌اند و متحدانه علیه سیاست‌های غارتگرانه حکومت و سیستم چپاول و سرکوب حاکم اعتراض و تجمع می‌کنند. از اعتراضات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۱ مه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## اعتراضات علیه قطعی‌های برق، اعتصاب کمپرسی داران گیلان و اخباری دیگر

اعتراضات بر سر معیشت و علیه فقر و بی‌تامینی گسترده است. از جمله اعتراضات علیه قطعی‌های متوالی برق گسترش می‌یابد. امروز بیست و یکم اردیبهشت مردم در شهر داراب به‌خاطر قطع بی‌وسه و فلج‌کننده برق شماری از مردم مقابل اداره برق تجمع کردند و به نشانه اعتراض خیابان را بستند. در همین رابطه ناوایان اندیشمک در اعتراض به عدم واریز یارانه‌ها، نبود بیمه و مشکلات ناشی از قطع فلج‌کننده برق، مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کردند.

امروز همچنین کمپرسی‌داران گیلان مقابل پمپ‌بئزین رستم آباد برای دومین روز متوالی در اعتراض به کرایه پایین، دست از کار کشیدند. فعالان صنعت نساجی یزد مقابل استانداری تجمع کردند و کارگران در شهرک صنعتی خیرآباد اراک در اعتراض به قطعی برق دوباره تجمع کردند. روز گذشته بیستم اردیبهشت نیز جمعی از شهروندان روستای آسماری واقع در شهرستان باغملک، در اعتراض به کمبود آب در این منطقه، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، تجمع داشتند.

بعلاوه جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز در روز گذشته ۲۰ اردیبهشت در اعتراض به کیفیت پایین غذا و وضعیت بد شرایط دانشگاه دست به اعتصاب غذا زدند. دانشجویان اعلام کرده‌اند که وعده‌های غذایی ارائه‌شده در دانشگاه، پایین‌تر از حد استاندارد و در برخی موارد غیرقابل‌مصرف است. اصلاح فوری و اساسی کیفیت غذا در سلف دانشگاه مطالبه فوری دانشجویان است. گفتنی است که هم‌زمان با آغاز سال جدید ۱۴۰۴، اعتصاب غذایی به‌صورت سریالی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور جریان داشته است. از جمله در طول یک ماه گذشته سه اعتصاب دیگر در دانشگاه‌های علوم پزشکی کاشان، دانشگاه علوم پزشکی تبریز و دانشگاه علوم پزشکی زاهدان به وقوع پیوست.

خبر اعتراضی دیگر امروز بیست و یکم اردیبهشت‌ماه مربوط به خودداری کارگران گروه ملی فولاد در تمامی رستوران‌های گروه ملی فولاد اهواز از گرفتن غذا در اعتراض به خلف وعده‌های مدیریت فاسد و مشکلات کاری و معیشتی‌شان است.

و آخرین خبر اینکه ۱۰ نفر از زندانیان سیاسی بند زنان اوین که در چهارشنبه گذشته در اعتراض به اعدام زندانی سیاسی حمید حسین‌نژاد حیدرآملو، زندانی سیاسی و در حمایت از پخشان عزیزی، زندانی سیاسی محکوم‌به‌اعدام شعاردهی کرده بودند، ممنوع‌الملاقات شدند. پخشان عزیزی، مهوش (سایه) صیدال، ناهید خداجو، اعظم خضری، معصومه نساجی، معصومه عسکری، سعید قربانعلی، سکینه پروانه، نرگس منصوری، حورا نیک‌بخت از جمله زندانیان سیاسی هستند که به مدت یک ماه ممنوع‌الملاقات شده‌اند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۱ مه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

تخریب و به آتش کشیدند. این تهاجمات از بیست و یکم اردیبهشت ماه به بهانه مقابله با سوختبران آغاز شد و با حضور مقاماتی چون جاویدان فرمانده انتظامی و قهرمانی دادستان هرمزگان انجام گرفته و حتی منازل مردم مورد یورش قرار گرفته است.

### گروه ملی فولاد اهواز

- کارگران گروه ملی فولاد اهواز روز گذشته طی بیانیه‌ای ضمن اعلام مطالبات فوری خود در خصوص راه‌اندازی تولید و برخی مطالبات مزدی خود اولتیماتوم به ازسرگیری اعتراضاتشان را داده و می‌نویسند "اگر طی چند روز آینده پاسخ روشن، شفاف و قابل قبول به مطالباتمان داده نشود، مرحله بعدی اعتراض ما، بسیار گسترده‌تر و جدی‌تر خواهد بود. چرا که دیگر سکوت جایز نیست و صبر ما به سر آمده است".

مطالبات اعلام شده این کارگران عبارت‌اند از فعال شدن تمامی خطوط تولید، برقراری شفاف و بدون تأخیر بیمه بازنشستگی، اعمال اصلاحیه‌های مربوط به اضافه کاری‌ها و پاداش‌ها، پرداخت مطالبات مربوط به غذای ایام تعطیلات نوروز، و تسویه بدهی‌های مالیاتی سال گذشته.

### قطعی برق

- قطعی‌های برق معیشت و کار مردم را به مخاطره انداخته یک بخش آسیب‌پذیر آن نانوایان هستند و در اعتراض به این موضوع در شهرهای مختلف اعتراضاتی داشته‌اند. در همین رابطه امروز نیز جمعی از نانوایان در رشت در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق مقابل استانداری تجمع کردند.

### بازنشستگان مخابرات

- در اطلاعیه خبری روز گذشته اخبار تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف را گزارش کردیم. بنا بر گزارشات تکمیلی در این روز بازنشستگان مخابرات در دوازده شهر تجمع داشتند و علاوه بر شهرهایی که قبلاً گزارش داده شد، بازنشستگان مخابرات در همدان و بابل نیز تجمع اعتراضی برپا کردند و پیگیر مطالباتشان شدند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۴م ۲۵

\*\*\*\*\*

## اولین روز از کارزار دوهفته‌ای همه با هم علیه اعدام در ایران، ادامه سه‌شنبه‌های کارزار نه به اعدام، گرامیداشت یاد جان‌باختگان در سقز

امروز بیست و سوم اردیبهشت ماه گروهی از مردم شهر سقز در ابتکاری زیبا با نصب بنری مزین به تصاویر جان‌باختگان جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» در شهرهای گردستان، و پخش سرود انقلابی، یاد و خاطره جان‌باختگان راه آزادی را گرمی داشتند. این اقدام نشانگر عزم راسخ مردم برای به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی و جمع کردن بساط سرکوب و اعدام حکومت است.

امروز همچنین کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام که هم اکنون ۴۱ زندان را دربرگرفته، هفته شصت و هشتم خود را پشت سر گذاشت. در بخشی از بیانیه اعتراضی این هفته این کارزار چنین آمده است "در شرایطی که حکومت از حل بحران‌های داخلی و خارجی خود عاجز مانده، شتاب اعدام‌ها افزایش یافته است. مقابله با اعدام در این شرایط، ضرورتی فوری و انکارناپذیر است. در هر گوشه از این سرزمین باید پرچم مبارزه با اعدام را برافراشت و صدای اعتراض را بلند کرد".

هم‌زمان با سه‌شنبه‌های نه به اعدام خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در تهران با در دست داشتن تصاویر عزیزانشان و نوشته‌های "نه به اعدام"، خواستار لغو احکام اعدام عزیزانشان شدند. پنج زندانی سیاسی محکوم به اعدام وحید بنی‌عامریان، بابک علی‌پور، پویا قبادی، اکبر دانشورکار و سید محمد تقوی برای انتقال اجباری به زندان قزل‌حصار تحت فشار هستند و قطعی تلفن‌هایی آنها موجب نگرانی خانواده‌هاست.

امروز سه‌شنبه بیست و سوم اردیبهشت ماه اولین روز از فراخوان دو نهاد "اعدام نکنید" و "دادخواهان" و جمعی از خانواده‌های دادخواه به دو هفته اعتراض علیه اعدام‌های گسترده در ایران است. این کارزار تا ششم خردادماه ادامه دارد و از همه انسان‌های آزادی‌خواه و نهادهای حقوق بشری در سراسر دنیا خواسته شده که پژواک صدای محکومین به اعدام و خانواده‌هایشان باشند. "همه با هم علیه اعدام، نه به اعدام و کشتن انسان‌ها به هر اتهام و جرمی! باید مجازات شنیع اعدام متوقف و همه احکام اعدام لغو شود! به

مقابل ساختمان دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند. حزب کمونیست کارگری ضمن گرامیداشت روز جهانی پرستار هم‌صدا با شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران از خواست‌ها و مبارزات پرستاران و کادر درمان قاطعانه حمایت می‌کند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۲م ۲۵

\*\*\*\*\*

## اعتراضات کارگران رسمی نفت در لاوان، رانندگان کامیون‌های وارداتی، کادر درمان مرکز بهداشت زنجان و اخباری دیگر

### کارگران رسمی شرکت نفت:

امروز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه لاوان در اعتراض به سقف حقوق، عدم اجرای ماده ده، محدودیت‌های پرداخت و تفکیک ناعادلانه مشاغل در مناطق عملیاتی و برای پیگیری خواست‌هایشان دست به تجمع زدند.

### رانندگان کامیون:

در این روز همچنین جمعی از رانندگان کامیون‌های وارداتی در اعتراض به عدم ترخیص وسایل نقلیه‌شان از گمرک، مقابل ساختمان وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) در تهران تجمع کردند. معترضان خواستار تسریع در فرآیند ترخیص کامیون‌های وارداتی و رفع موانع اداری و قانونی شدند. رانندگان معترض می‌گویند "ما هاست سرمایه ما پشت در گمرک خاک می‌خورد، درحالی که بازار به این کامیون‌ها نیاز دارد". در جمهوری اسلامی هیچ بخشی از اقتصاد از جمله گمرک درست کار نمی‌کند و این وضعیت فلج اقتصادی، برای مردم مشکلات بسیاری ایجاد نموده است.

### کادر درمان مرکز بهداشت زنجان

حرکت اعتراضی دیگر در این روز مربوط به تجمع کادر درمان مرکز بهداشت زنجان در محوطه دانشگاه علوم پزشکی است. افزایش حقوق‌ها، حذف اضافه کاری اجباری و پرداخت مزد مناسب برای اضافه کاری‌ها و برخی اقام رفاهی و مزایای مزدی، پرداخت کارانه و کاهش ساعت کار از جمله تعطیلی پنجشنبه‌های مطالبات فوری این کارکنان است.

### ساکنان شهرک زیتون

در این روز همچنین شمار زیادی از صاحبان مسکن شهرک زیتون مقابل نهاد ریاست جمهوری در اعتراض به عدم اجرای احکام قطعی قضایی و جلوگیری از ساخت‌وساز در این شهرک، دست به تجمع و راهپیمایی زدند. بنا بر خبرها این شهرک با قدمت ۴۰ ساله و اسناد رسمی، محل سکونت بیش از ۱۲ هزار نفر از کارکنان سابق جهاد سازندگی است، اما با وجود صدور بیش از ۲۲ حکم قضایی به نفع مالکان، دولت و شهرداری از صدور مجوز ساخت امتناع می‌کنند. طبق گزارشات در بهمن ۱۴۰۳ توافقی برای واگذاری بخشی از اراضی به دولت و الحاق باقی‌مانده به تهران صورت گرفته است، اما هنوز اجرایی نشده است. تجمع‌کنندگان خواستار پایان بلا تکلیفی و اجرای مصوبات شدند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۲م ۲۵

\*\*\*\*\*

## سرکوب معترضان در بندرکلاهی میناب، و اولتیماتوم کارگران گروه ملی

### تعرض به ساکنین بندر کلاهی

-امروز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه مردم در بندر کلاهی از توابع میناب در استان هرمزگان که در اعتراض به تخریب لوازم صیادی و سوخت و دیگر اموالشان تجمع کرده بودند، هدف ضرب و شتم شدید نیروهای انتظامی قرار گرفتند. جوانان معترض نیز ایستاده و درگیر شدند. بنا بر گزارشات در این روز صدها نظامی حکومتی با تجهیزات سنگین و با همراهی لودرها، ماشین‌های آتش‌نشانی و آمبولانس، ضمن مسدود کردن ورودی و خروجی شهر، به سرکوب مردم پرداخته و موجی از خشونت و تخریب را علیه شهروندان به راه انداخته‌اند. در این یورش وحشیانه سرکوبگران جنایت‌کار با شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای، ده‌ها نفر از جمله چند کودک را زخمی کرده‌اند. نظامیان همچنین اموال شهروندان، از جمله ابزار صیادی، تجهیزات سوختبری و اثاثیه خانگی آنها را

امروز نیز نانوایان نیز در اعتراض به قطعی متناوب برق و عدم واریز یارانه‌های نان و عملکرد سامانه نانینو و شرایط سخت معیشتی خود تجمع داشتند. نانوایان تاکنون بارها در شهرهای مختلف دست به اعتراضاتی علیه وضعیت کنونی و قطعی‌های برق که کسب‌وکار آنها را مختل کرده، داشته‌اند.

جمعی از بازنشستگان پتروشیمی آبادان نیز در این روز در اعتراض به شرایط کاری، عدم پرداخت مطالبات و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود مقابل فرمانداری آبادان تجمع کردند.

تجمع اعتراضی دیگر امروز بیست و چهارم اردیبهشت‌ماه از سوی ثبت‌نام‌کنندگان نهضت ملی مسکن در قزوین در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان، مقابل درب بنیاد مسکن این استان بود. معترضین فریاد می‌زدند: "ما زیر خط فقریم، بجنگ تا بجنگیم!"

آخرین خبر اینکه روز گذشته ۲۳ اردیبهشت بازنشستگان صنعت نفت در اهواز علی‌رغم دمای بالای ۴۰ درجه برای پیگیری مطالبات خود و اعتراض به دزدی‌ها از صندوق بازنشستگی نفت تجمع کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند "صندوق نفت را بردند، ما را بیچاره کردند"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست". بازنشستگان زیر فشارهای طاقت‌فرسای معیشتی هستند و درمان دارو نیز در دسترس آنها نیست. یک خواست بازنشستگان درمان رایگان و باکیفیت است. از اعتراضات بازنشستگان حمایت کنیم.

#### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۴ مه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## اعلام دو هفته تعطیلی صنایع بزرگ و کارخانه‌های فولاد و سیمان و تغییر شروع مدارس به شش و نیم صبح

### مردم علیه قطعی‌های برق

وزارت کشور از شب سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت با ارسال ابلاغیه‌ای به ادارات برق منطقه‌ای، دستور کاهش فوری مصرف انرژی در صنایع بزرگ را صادر کرده است. بر اساس این دستور، کارخانه‌های فولاد و سیمان باید از صبح امروز پنج‌شنبه ۲۵ اردیبهشت، فعالیت خود را به مدت ۱۵ روز متوقف کنند و مصرف برقشان را به سقف ۱۰ درصد دیمانند عادی کاهش دهند؛ یعنی سطحی که تنها برای روشن نگه‌داشتن چراغ سالن‌ها کافی است. در همین راستا تولید کارخانه سیمان باقران از روز گذشته تعطیل اعلام شد.

از سوی دیگر ساعت کار مدارس ساعت ۶ صبح تا یک و نیم بعدازظهر اعلام شده است و این موضوع صدای اعتراض خانواده‌های دانش‌آموزان و معلمان را بلند کرده است.

بدین ترتیب کنترل اداره امورات جامعه هر روز بیش‌ازپیش از دست حکومت خارج شده و فقط بازار چپاول و غارتگری‌هایشان داغ است و درحالی که تأمین اولیه‌ترین نیازهای زندگی را از مردم بریده‌اند، دستور تعطیلی رسمی جامعه را داده‌اند.

قطعی برق یعنی بریده شدن اولیه‌ترین نیازهای زیستی مردم که با خود قطعی آب و گاز را همراه دارد. آب را هم جیره‌بندی کرده‌اند. رئیس سازمان غذا و دارو از مختل شدن تولید دارو به‌خاطر قطعی‌های برق خبر می‌دهد. در نتیجه قطعی برق نه فقط تولید در شهرک‌های صنعتی و کارخانجات بزرگ بلکه کار در ادارات و بیمارستان و در همه‌جا مختل شده است.

این وضعیت کل جامعه را فلج کرده و تابستان زودرس به‌ویژه در مناطقی چون خوزستان وضعیت فاجعه باری ایجاد کرده است.

این آشفته‌بازار جامعه را به نقطه انفجار رسانده است. اعتراضات علیه قطعی‌های برق گسترده است. زرمه‌های اعتراض در شهرک‌های صنعتی بالا گرفته است. اعتراضات نانوایان ابعادی سراسری پیدا کرده و در برخی شهرها شاهد شکل‌گیری اعتراضات مردمی هستیم. در این اعتراضات مردم از تبعیض در قطعی‌های برق در مناطق جنوب شهر تهران و نواحی حاشیه‌ای نسبت به مناطق بالای شهر و مرکز تهران و تبعیض طبقاتی حتی در قطع برق سخن می‌گویند.

جمهوری اسلامی این حکومت فاجعه‌آفرین با فلج جامعه زندگی را به جهنمی برای مردم تبدیل کرده است. پاسخ این شرایط اعتصابات سراسری است. حزب کمونیست کارگری با حمایت از اعتراضات بخش‌های مختلف

اعدام، این جنایت آشکار علیه بشریت پایان دهیم" پیام و گفتمان این کارزار دو هفته‌ای است. دو تشکل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و رسمی نفت و ندای زنان ایران نیز حمایت خود را از این کارزار اعلام داشتند و خبر آن در گروه‌های مختلف مبارزاتی بازنشستگان و در مدیای اجتماعی بازتاب یافته است.

از سوی دیگر ۱۲ سازمان و گروه حقوق بشری در حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام برای بیست و هفتم تا ششم خردادماه فراخوان به اقدام جهانی علیه اعدام‌ها را داده‌اند. در پاسخ به این فراخوان آکسیون‌هایی اعتراضی در کشورهای مختلف سازمان پیدا کرده است.

امروز در نقاطی از تهران فعالین جنبش علیه اعدام با دست‌نوشته‌ای با مضمون نه به اعدام و انتشار آن در مدیای اجتماعی حمایت خود را از سه‌شنبه‌های نه به اعدام اعلام کردند. در حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام در داخل ایران و در سطح جهان به این کارزارها پیوندیم.

#### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۳ مه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## رانندگان کامیون‌ها و کامیون‌داران به اعتصاب سراسری فراخوان دادند

اتحادیه تشکل‌های کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران امروز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت طی بیانیه‌ای فراخوان به اعتصاب سراسری از اول خردادماه داده است. در بخشی از فراخوان کامیون‌داران و رانندگان کامیون‌ها چنین آمده است "سال‌هاست با صبوری، چرخ‌های اقتصاد کشور را به دوش کشیده‌ایم، اما در مقابل، جز بی‌توجهی، تحقیر، گرانی، و وعده‌های توخالی چیزی نصیبمان نشده است. سوخت نیست، اما انتظار حرکت هست. قطعه نیست، اما باید با پذیرش بازی با جانمان در جاده‌ها حرکت کنیم. هزینه گزاف بیمه را می‌گیرند؛ ولی خدماتی در کار نیست. کرایه بار هست، اما یا پرداخت نمی‌شود یا با تأخیر و بی‌عدالتی باید آن را وصول کنیم. شرکت‌ها و واسطه‌ها خون ما را می‌مکند و کسی پاسخگو نیست و حالا، پس از فاجعه بندرعباس و کشته‌شدن همکارانمان، هنوز سکوت، بی‌خبری و بی‌عملی حاکم است. ما دیگر نمی‌خواهیم به این بی‌عدالتی تن بدهیم. اتحادیه تشکل‌های کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران، در پاسخ به این وضعیت اسفناک، اعتصاب و اعتراض سراسری رانندگان را از روز اول خرداد اعلام می‌کند. این اعتراض برای زندگی‌ست؛ این ایستادگی برای کرامتمان است؛ این فریاد، فریاد همه ماست".

این اتحادیه از همه رانندگان سراسری کشور دعوت کرده که با توقف سراسری کامیون‌های خود از اول خرداد به مدت یک هفته در اعتراض به وضعیت معیشتی‌شان و فاجعه بندرعباس و به یاد همکاران جان‌باخته در این فاجعه مرگبار دست به اعتراض بزنند. در این فراخوان خواسته شده که رانندگان کامیون را به رژه پرشکوه کامیون‌هایشان در روز اول خرداد در سراسر شهرهای ایران اختصاص دهند.

رانندگان کامیون در فراخوان خود با تأکید بر اتحاد و مشارکت فعال در این حرکت اعتراضی و اعتصاب و اعتراض به‌عنوان حق مسلم خود، اعلام کرده و می‌نویسند: "تا وقتی کرایه عادلانه پرداخت نشود؛ قطعات و خدمات تأمین نشود؛ سوخت کافی توزیع نشود: هزینه بیمه واقعی نباشد، عوارضی جاده‌ها عادلانه نباشد. ما حرکت نمی‌کنیم؛ ما سکوت نمی‌کنیم و با اتحاد خود حق اولیه خودمان را بازپس می‌گیریم".

از حرکت و اعتراض رانندگان کامیون و کامیون‌داران فعالانه حمایت کنیم.

#### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۴ مه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## اعتراضات کارگران ایرالکو، نانوایان بجنورد، پتروشیمی و اخباری دیگر

جمعی از کارگران شرکت آلومینیوم ایران (ایرالکو) در اراک در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق که امنیت شغلی‌شان را تهدید می‌کند، امروز ۲۴ اردیبهشت دست به تجمع اعتراضی زدند. در این شرکت ۴۰۰۰ کارگر اشتغال دارند و به گفته کارگران باتوجه‌به فرسودگی تجهیزات آن، ادامه قطعی‌ها خسارات جبران‌ناپذیری را به مجموعه وارد کرده و اشتغال آنها را به خطر می‌اندازد. قطعی‌های برق جامعه را فلج کرده است. اعتراضات گسترده است.

مردم علیه قطعی‌های برق برگسترش این اعتراضات به اعتراضات سراسری تأکید می‌کند. اقدامات اعتراضی ای که حزب تأکید می‌کند عبارت‌اند از: تجمعات اعتراضی دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها در مقابل مدارس و ادارات دولتی، تجمعات اعتراضی در شهرها و محلات مختلف شهرها، برگزاری تجمعات اعتراضی مقابل ادارات برق و مراکز دولتی، اعتصابات متحد و سراسری در شهرک‌های صنعتی و کارخانجات بزرگ و سیمان که تعطیل اعلام شده‌اند، اعتصاب سراسری نانوایان، کسبه و بازاریان، شعاردهی‌های ضد حکومتی هم‌زمان با قطعی‌های برق از منازل، اعتراض به قطعی‌های برق به‌عنوان یکی از موضوعات تجمعاتی اعتراضی از جمله در تجمعات بازنشستگان، شعارنویسی‌های اعتراضی و پخش تراکت و بازتاب گسترده اخبار اعتراضات و اتحاد و همبستگی فعالین و اکتیویست کارگری و اجتماعی برای شکل‌دادن به اعتراضات گسترده علیه قطعی‌های برق

در ضمیمه لیستی از اعتراضات علیه قطع برق در روزهای اخیر را ملاحظه می‌کنید.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۴ مه ۲۰۲۵

#### ضمیمه:

۲۴ اردیبهشت: تجمع جمعی از کارگران شرکت آلومینیوم ایران (ایرالکو با ۴۰۰۰ کارگر) در اراک در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق که امنیت شغلی‌شان را تهدید می‌کند،

- تجمع نانوایان در شهرهای یزد، رفسنجان، بجنورد، در مقابل استانداری در اعتراض به عدم واریز یارانه‌های نان، عملکرد سامانه نانینو و شرایط سخت معیشتی،

۲۳ اردیبهشت: تجمع نانوایان گیلان مقابل استانداری در اعتراض عدم واریز یارانه‌ها، عملکرد سامانه نانینو و مشکلات مالی،

- تجمع گروهی از کشاورزان در شیراز در اعتراض به قطعی مکرر برق که موجب آسیب به تولیدات کشاورزی و معیشت آنان شده است، در مقابل استانداری شیراز

۲۲ اردیبهشت: تجمع اعتراضی نزدیک به ۲۰۰ نفر از مغازه‌داران بازار در اداره برق در اعتراض به قطع‌های برق

۲۱ اردیبهشت: تجمع اعتراضی نانوایان در اندیمشک و در شاهین‌شهر در برابر فرمانداری

- تجمع مردم داراب در مقابل اداره برق و بستن خیابان در اعتراض به قطع پیوسته و فلج‌کننده برق

- تجمع اعتراضی کارکنان شهرک‌های صنعتی برای دومین روز در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق و مختل شدن کار و شغل خود مقابل درب ورودی شهرک صنعتی خیرآباد اراک

- تجمع گروهی از فعالان حوزه نساجی یزد در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق، مقابل استانداری یزد

۲۰ اردیبهشت: اعتصاب در شهرک صنعتی خیرآباد اراک به دلیل قطعی مکرر برق

- تجمع گروهی از مردم شهرستان داراب در اعتراض به قطعی مکرر مقابل فرمانداری و بستن جاده توسط مردم معترض

- اعتراض نانوایان قلعه گنج استان کرمان به قطعی‌های مکرر برق. در این اعتراض نانوایان خمیرهای ترش شده را به در ورودی اداره برق کوبیدند.

- تجمع نانوایان اراک در اعتراض به شرایط معیشتی دشوار، افزایش افسارگسیخته هزینه‌های تولید، و قطع مکرر برق، مقابل ساختمان استانداری مرکزی این شهر

۱۷ اردیبهشت: تجمع گروهی از شهروندان بهبهان در اعتراض به قطعی هرروزه آب و برق، مقابل فرمانداری این شهر

۱۵ اردیبهشت: تجمعات بزرگ اعتراضی کسبه و بازاریان در بازار شهرهای تهران (بازار آهن‌مکان)، بهارستان (شهرک قلمی) و شهرری، اعتراض دانشجویان خوابگاه دخترانه بهشتی به قطعی‌های متناوب برق، شعاردهی ضد حکومتی در پردیس تهران در اعتراض به قطعی برق

## علیه قطع برق همه‌جا دست به اعتراض بزنیم!

رژیم در اوج درماندگی قرار گرفته است. ستون‌های حکومت یکی پس از دیگری فرو ریخته و ته دل همه مقامات کاملاً خالی شده است. وقت آن است که صفوفمان را متحدتر کنیم و به هر شکلی که می‌توانیم حکومت را همه‌جانبه زیر ضرب قرار دهیم. حکومت توان رویارویی همه‌جانبه با مردم متحد را ندارد، صفوفش کاملاً به‌هم ریخته و نیروهای سرکوبش نه روحیه سابق را دارند و نه توان مقابله گسترده با مردم. هم اکنون در برخی شهرها و شهرک‌ها تجمعات اعتراضی و شعاردهی علیه قطع برق شروع شده است. این اعتراضات را گسترش دهیم و از پرداخت قبض‌های آب و برق و گاز خودداری کنیم. اینها اشکالی عملی از مبارزه توده‌ای برای متحد شدن و فلج کردن حکومت است. در هر شهر و محله‌ای متحدانه دست به اعتراض بزنیم و تصمیم بگیریم که هیچ قبضی را نپردازیم. این کار ضربه اقتصادی قابل توجهی به دزدان حاکم و کاهش فشار هر چند اندکی بر زندگی ما مردم است. حکومتی که جریان برق و گاز و آب مردم را نمی‌تواند تضمین کند جایش در زباله‌دان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

## از خوزستان چه خبر؟

### اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۹-۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

جمعه ۲۶ اردیبهشت

- مینا بهمنی از تیر ۱۴۰۳ تاکنون با اتهام مشارکت در قتل یک مأمور انتظامی در زندان سپیدار اهواز همچنان به سر می‌برد. مینا بهمنی، از بستگان هادی بهمنی، دانش‌آموز و کارگر جان‌باخته ۱۷ ساله‌ای است که در اعتراضات ۴۰۰ ادر خوزستان با گلوله نیروهای سرکوب حکومت کشته شد. او در زندان سپیدار اهواز و در وضعیت سلامت بدی به سر می‌برد. تاکنون چند وکیل برای دسترسی به پرونده وی تلاش کرده‌اند که نهادهای امنیتی اجازه ورود آن‌ها را به پرونده مینا بهمنی نداده‌اند.

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت

- علی‌آبادی، وزیر نیروی جمهوری اسلامی از مواجهه بودن مردم در برخی شهرها از جمله اهواز با قطعی‌های مکرر و ساعت‌هایی بی‌برق خبر داد. قطع متوالی برق و بی‌آبی در هوای گرم زودرس زندگی مردم را به شدت مشقت‌بار کرده است. این در حالی است که هنوز تابستان نرسیده است.

چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت

- جمعی از بازنشستگان پتروشیمی آبادان در اعتراض به شرایط کاری، عدم پرداخت مطالبات معوقه و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود مقابل فرمانداری آبادان تجمع کردند.

- به گزارش رسانه‌های حکومتی، امتحانات تمامی مقاطع تحصیلی، به‌جز امتحانات نهایی پایه‌های نهم و دوازدهم در شهرهای اهواز، حمیدیه، کارون، باوی، شوش، کرخه، هویزه، دشت آزادگان، شادگان، آبادان و خرمشهر برگزار نشد. در این روز، ریزگردها و گردوغبار هوای شهرهای مختلف از جمله اهواز را، به وضعیت بحرانی و خطرناکی رساند. ظفرقندی وزیر بهداشت از مرگ سالانه ۵۰ هزار کودک بر اثر آلودگی هوا در کشور خبر می‌دهد. خوزستان یک مرکز دائمی آلودگی هواست.

سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت

- بازنشستگان صنعت نفت در اهواز، علی‌رغم دمای بالای ۴۰ درجه برای پیگیری مطالبات خود و اعتراض به دزدی‌ها از صندوق بازنشستگی نفت تجمع کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "صندوق نفت را بردند، ما را بیچاره کردند"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"،

- بر اساس اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، ساعت ۸ صبح این روز، طبق اندازه‌گیری ذرات معلق به میزان ۲/۵ میکرون، وضعیت شهر اهواز با شاخص ۱۵۵، اندیشک ۱۵۶، خرمشهر ۱۵۳، دزفول ۱۵۱ و سوسنگرد ۱۷۷ میکروگرم بر مترمکعب در وضعیت ناسالم و قرمز قرار داشت. همچنین در این مدت وضعیت هوا در شهرهای آبادان و امیدیه با شاخص ۱۳۸، شادگان ۱۰۵، ماهشهر ۱۱۴، هندیجان ۱۱۸ و هویزه ۱۵۰، برای گروه‌های حساس، ناسالم اعلام شد. آلودگی هوا نتیجه مستقیم چپاولگری‌های حکومت و سیاست‌های جنایت‌کارانه آن در قبال محیط‌زیست است که جان و زندگی مردم را به خطر انداخته است.

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت

- بازنشستگان شرکت مخابرات خوزستان با برگزاری تجمع اعتراضی، در اعتراض به فقر و بی‌تأمینی و پاسخ نگرفتن خواست‌های خود و اختلاسگری‌های سهام‌داران عمده شرکت دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۲۱ اردیبهشت

- در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی علی‌رغم گرمای طاقت‌فرسا به خیابان آمده و با فریاد "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" مردم را به اتحاد حول فقر و فساد حاکم فراخواندند. در این تجمع بنرهایی با مضمون "درمان رایگان"، "همبسته باد اتحاد کارگران و معلمان" توجه‌ها را جلب می‌کرد.

- در شوش بازنشستگان تأمین اجتماعی از شهرهای کرخه، هفت‌تپه و شوش مقابل فرمانداری تجمع داشتند و در همبستگی با مردم بندرعباس و در اعتراض به مرگ کارگران و نبود ایمنی در کارگاه‌ها شعار می‌دادند: "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر". بازنشستگان در شوش همچنین بر آزادی بازنشستگان زندانی تأکید کردند.

- کارگران گروه ملی فولاد در تمامی رستوران‌های گروه ملی فولاد اهواز، از گرفتن غذا خودداری کردند. اعتصاب غذای آنان در اعتراض به خلف وعده‌های مدیریت فاسد و مشکلات کاری و معیشتی‌شان بود.

- جمعی از نانوایان شهرستان اندیشک در اعتراض به مشکلات شدید صنفی، مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کردند. یکی از نانوایان معترض اظهار داشت که شرایط اقتصادی به گونه‌ای است که نه نانوایان قادر به ادامه فعالیت هستند و نه مردم توانایی تأمین نان سفره خود را دارند. نانوایان هشدار دادند که در صورت بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان اعتراضات ادامه‌دار خواهد بود.

شنبه ۲۰ اردیبهشت

- آبداران شرکت آب‌وفاضلاب خوزستان در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و تعویق پرداخت آن مقابل استانداری تجمع کردند. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: پرداخت سه ماه حقوق معوقه، اجرای کامل و بی‌کموکاست طرح طبقه‌بندی مشاغل، رفع تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا

- جمعی از شهروندان روستای آسماری واقع در شهرستان باغملک، در اعتراض به کمبود آب در این منطقه، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، تجمع کردند.

جمعه ۱۹ اردیبهشت

- اعضای تعاونی ۱۴۴ واحدی مسکن ملی در شوش در اعتراض به تأخیر در تحویل واحدهای مسکونی و عدم شفافیت در قراردادهای و چپاولگری‌ها دست به تجمع زدند. معترضین با نصب بنری اعتراضی در محل، صدای اعتراض خود را بلند کردند. به گفته آنان مسکن ملی وعده‌ای برای بی‌مسکن‌ها بود، اما به کام سودجویان، دلالان و پیمانکاران تمام شده است.

- در این روز گزارشات از ناسالم بودن هوا در شهرهای مختلف خوزستان خبر دادند. طبق خبرها هوای شهرهای سوسنگرد و هویزه "ناسالم" است و شهرهای امیدیه، بهبهان، اهواز، حمیدیه، خرمشهر و هندیجان در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس گزارش شد. با اعتراضات گسترده جلوی ادامه این فاجعه زیست‌محیطی را که جان و زندگی و کار مردم را به خطر انداخته باید گرفت.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳، ۹ مه ۲۰۲۵

# انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

[milad.rabei@gmail.com](mailto:milad.rabei@gmail.com)



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID  
کانال جدید